گاج

فرمول بیست



فارسی ۳

پایه دوازدهم

مشترک همه رشته‌ها

مؤلّف کتاب

محمّدرضا ملک‌محمّدی

مدرس ویدئویی

امیر افضلی

پیشگفتار

این کتاب را تقدیم می‌کنم به دو ستارهٔ تابناک آسمان زندگی‌ام
دو گوهر گران‌مایه و بی‌بدیل و نادر، «پدر و مادر»، روحشان شاد

این کتاب، قابل استفادهٔ دانش‌آموزان پایهٔ دوازدهم تمامی رشته‌ها (ریاضی، تجربی، انسانی و ...) برای آمادگی در امتحانات نهایی است.

ویژگی‌ها و شیوهٔ ارائهٔ مطالب

- قبل از هر چیز باید بگویم که این کتاب، شما را از مراجعه به کتاب درسی‌تان بی‌نیاز می‌کند؛ چراکه متنِ کامل کتاب درسی را قبل از نکات، عیناً آورده‌ام و تمامیِ کارگاه‌های متن‌پژوهی، درک و دریافت‌ها، گنج حکمت‌ها، روان‌خوانی‌ها و شعرخوانی‌ها در این کتاب آورده شده‌است.
- این کتاب با آخرین تغییرات کتاب درسی مُنطبق و هماهنگ است.
- این کتاب بر اساسِ قلمروهای سه‌گانهٔ «زبانی، ادبی و فکری» تألیف شده‌است.

نکات مهم هر بخش به ترتیب، شامل مباحث زیر است:

الف) نکات مربوط به قلمرو زبانی (شاملِ معنی واژه‌ها، مباحثِ دستوری و روابطِ معنایی کلمات)

ب) نکات قلمرو ادبی (بررسی تمامی آرایه‌های ادبی و مشخّص‌کردنِ قافیه، ردیف و قالب شعری)

پ) قلمرو فکری (معنی ابیات و عبارت‌ها و مفهوم و پیام آنها)

ت) پاسخ به کارگاه‌های متن‌پژوهی و درک و دریافت‌ها

ث) تهیّهٔ کادری در انتهای هر درس، که در آن، واژه‌هایی که اهمّیت املایی دارند، به صورتِ «گروه‌کلمه» آورده شده‌است.

ج) ابیات و عبارت‌های آمده در کارگاه‌های متن‌پژوهی نیز موشکافانه بررسی و تجزیه و تحلیل گردیده‌اند.

قابلِ ذکر است که در قلمرو زبانی با واژه‌هایی روبه‌رو می‌شوید که در متن اصلی با رنگ «قرمز» مشخّص شده‌اند. این رنگ، نشانگرِ آن است که این کلمات در پایان کتاب درسی (در بخش واژه‌نامه) معنی شده‌اند.

چ) در انتهای هر درس، همهٔ مطالب را در قالب سؤالات تشریحی، مطرح کرده‌ایم.

ح) بخش پایانی کتاب را به «آزمون‌های نهایی چند سال اخیر» اختصاص داده‌ایم.

خ) کتابچهٔ رایگان، شاملِ مباحث زیر، ضمیمهٔ این کتاب است:

۱ **دستور زبان:** ۳۴ بسته

۲ **آرایه‌های ادبی:** ۲۲ بسته (به علاوهٔ ۴ آرایهٔ ویژه علوم انسانی)

بارم‌بندی آزمون‌های نهایی:

در جدول زیر، بارم‌بندیِ هر موضوع را می‌بینید. ضمناً بارم آزمون نوبت دوم، به نسبتِ **هشت نمره** (درس ۱ تا ۹) و **دوازده نمره** (درس ۱۰ تا ۱۸) می‌باشد.

معنی واژه	املا	دستور زبان	آرایه‌های ادبی	تاریخ ادبیات	حفظ شعر	معنی شعر و نثر	درک مطلب
۱ نمره	۲ نمره	۴ نمره	۳ نمره	۱ نمره	۱ نمره	۴ نمره	۴ نمره

محمّدرضا ملک‌محمّدی

فهرست

فرمول بیست

	عناوین درس‌ها	درسنامه	سوالات	پاسخ
۱	ملکا، ذکر تو گویم / شکر نعمت / گمان	۱۰	۲۱	۳۴۰
۲	مست و هشیار / در مکتب حقایق	۲۹	۴۰	۳۴۲
۳	آزادی/ دفتر زمانه/ خاکریز	۴۸	۵۶	۳۴۵
۵	دماوندیه/ جاسوسی که الاغ بود!	۶۳	۷۴	۳۴۶
۶	نی‌نامه/ آفتاب جمال حق	۸۳	۹۴	۳۴۹
۷	در حقیقت عشق/ سودای عشق/ صبح ستاره‌باران	۱۰۳	۱۱۴	۳۵۱
۸	از پاریز تا پاریس/ سه مرکب زندگی	۱۲۲	۱۳۲	۳۵۳
۹	کویر/ بوی جوی مولیان	۱۴۱	۱۵۴	۳۵۶
۱۰	فصل شکوفایی/ تیرانا!	۱۶۴	۱۷۰	۳۵۹
۱۱	آن شب عزیز/ شکوه چشمان تو	۱۷۶	۱۸۷	۳۶۱

فهرست

فرمول بیست

	عناوین درس‌ها	درسنامه	سوالات	پاسخ
۱۱	گذر سیاوش از آتش/ به جوانمردی کوش	۱۹۷	۲۱۳	۳۶۳
۱۲	خوان هشتم/ ای میهن!	۲۲۴	۲۳۷	۳۶۶
۱۳	سی‌مرغ و سیمرغ/ کلان‌تر و اولی‌تر!	۲۴۸	۲۶۳	۳۶۹
۱۶	کباب غاز/ ارمیا	۲۷۴	۲۹۴	۳۷۱
۱۷	خندهٔ تو/ مسافر	۳۰۵	۳۱۱	۳۷۴
۱۸	عشق جاودانی/ آخرین درس/ لطف تو	۳۱۹	۳۲۹	۳۷۶
آزمون	خرداد ماه ۱۴۰۳		۳۸۰	۳۹۰
آزمون	خردادماه ۱۴۰۴		۳۸۳	۳۹۱
آزمون	تیرماه ۱۴۰۵		۳۸۷	۳۹۲

لینک در بله

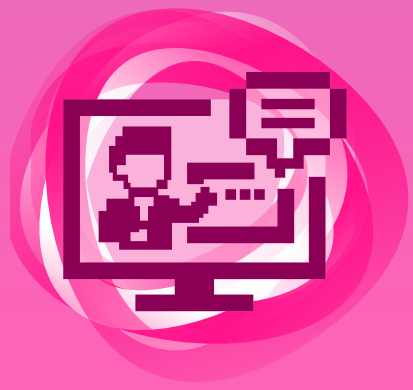
برای دریافت ۱۶ دوره آزمون تألیفی فصل به فصل QR-Code را اسکن کنید.

(دریافت آزمون‌ها نیازمند عضویت در پیام‌رسان بله و یا ایتا است.)

لینک در ایتا







هیبرید

www.gajlive.ir

لینک ویدیوهای آفلاین کلاس سالیانه فارسی ۱۲ گاج لایو

■ **آنالیز امتحان نهایی** (دقیقه ۰ تا ۳۵) ■ **تحلیل شعر «ستایش»** (دقیقه ۳۵ تا پایان)	جلسه ۱	■ **ادامهٔ درک مطلب و مفهوم درس ۷** (دقیقه ۱۶ تا ۴۵) ■ **نکته‌های متن درس ۷** (دقیقه ۴۶ تا پایان)	جلسه ۱۱
■ **دستور زبان: نوع «را»** (دقیقه ۱ تا ۳۵) ■ **دستور زبان: حذف به قرینهٔ معنایی** (دقیقه ۳۵ تا ۵۶) ■ **مفاهیم درس یکم** (دقیقه ۵۶ تا پایان)	جلسه ۲	■ **درک مطلب و مفهوم درس ۸** (دقیقه ۶ تا ۳۹) ■ **آرایه‌های درس ۷** (دقیقه ۳۹ تا ۷۵) ■ **آرایه‌های درس ۸** (دقیقه ۷۵ تا پایان)	جلسه ۱۲
■ **نکته‌های متن درس ۱** (دقیقه ۱ تا ۴۶) ■ **آرایه‌های «ستایش» و درس ۱** (دقیقه ۴۷ تا ۸۰) ■ **دستور زبان: ادامهٔ انواع حذف** (دقیقه ۸۱ تا پایان)	جلسه ۳	■ **دستور زبان: وابستهٔ وابسته** (دقیقه ۳ تا پایان)	جلسه ۱۳
■ **کارگاه متن‌پژوهی درس ۱** (دقیقه ۱ تا ۱۹) ■ **درک مطلب و مفهوم درس ۲** (دقیقه ۱۹ تا ۶۲) ■ **دستور زبان: واژه‌های هم‌آوا** (دقیقه ۶۲ تا ۸۲) ■ **دستور زبان: نقش‌یابی ضمیر پیوسته** (دقیقه ۸۲ تا پایان)	جلسه ۴	■ **درک مطلب و مفهوم درس ۹** (دقیقه ۲ تا ۲۶) ■ **دستور زبان: ادامهٔ وابستهٔ وابسته** (دقیقه ۲۶ تا پایان)	جلسه ۱۴
■ **پاسخ تمرین‌های حذف** (دقیقه ۱ تا ۸) ■ **پاسخ تمرین‌های واژه‌های هم‌آوا** (دقیقه ۸ تا ۱۷) ■ **تمرین‌های نقش‌یابی ضمایر پیوسته** (دقیقه ۱۷ تا ۳۳) ■ **آرایه‌های درس ۲** (دقیقه ۳۴ تا پایان)	جلسه ۵	■ **ادامهٔ درک مطلب و مفهوم درس ۹** (دقیقه ۷ تا ۲۳) ■ **ادامهٔ آرایه‌های درس ۸** (دقیقه ۲۳ تا ۳۸) ■ **آرایه‌های درس ۹** (دقیقه ۳۸ تا پایان)	جلسه ۱۵
■ **درک مطلب و مفهوم درس ۳** (دقیقه ۳ تا ۲۸) ■ **آرایه‌های درس ۳** (دقیقه ۲۹ تا ۶۱) ■ **نکته‌های متن درس ۳** (دقیقه ۶۱ تا پایان)	جلسه ۶	■ **درک مطلب و مفهوم درس ۱۰** (دقیقه ۱ تا ۱۸) ■ **دستور زبان: تمرین وابستهٔ وابسته** (دقیقه ۱۹ تا پایان)	جلسه ۱۶
■ **درک مطلب و مفهوم درس ۵** (دقیقه ۳ تا ۳۳) ■ **آموزش حسن تعلیل** (دقیقه ۳۳ تا ۴۲) ■ **آرایه‌های درس ۵** (دقیقه ۴۲ تا ۸۶) ■ **نکته‌های متن درس ۵** (دقیقه ۸۶ تا پایان)	جلسه ۷	■ **دستور زبان: جملهٔ ساده و مرکب** (دقیقه ۱ تا پایان)	جلسه ۱۷
■ **ادامه نکته‌های درس ۵** (دقیقه ۱ تا ۴۲) ■ **درک مطلب درس ۶** (دقیقه ۴۳ تا ۸۱) ■ **اسلوب معادله** (دقیقه ۸۱ تا پایان)	جلسه ۸	■ **درک مطلب و مفهوم درس ۱۱** (دقیقه ۱۰ تا ۳۰) ■ **آرایه‌های درس ۱۰** (دقیقه ۳۱ تا ۶۴) ■ **آرایه‌های درس ۱۱** (دقیقه ۶۵ تا پایان)	جلسه ۱۸
■ **آرایه‌های درس ۶** (دقیقه ۲ تا ۴۵) ■ **دستور زبان: افعال اسنادی** (دقیقه ۴۵ تا پایان)	جلسه ۹	■ **درک مطلب و مفهوم درس ۱۲** (دقیقه ۴ تا ۸۰) ■ **نکته‌های متن درس ۱۰** (دقیقه ۸۰ تا پایان)	جلسه ۱۹
■ **دستور زبان: ادامهٔ افعال اسنادی** (دقیقه ۱ تا ۲۶) ■ **نکته‌های متن درس ۶** (دقیقه ۲۶ تا ۶۰) ■ **درک مطلب و مفهوم درس ۷** (دقیقه ۶۰ تا پایان)	جلسه ۱۰	■ **آرایه‌های درس ۱۲** (دقیقه ۲ تا ۴۰) ■ **نکته‌های درس ۱۱** (دقیقه ۴۰ تا ۷۱) ■ **نکته‌های درس ۱۲** (دقیقه ۷۱ تا پایان)	جلسه ۲۰

لینک ویدیوهای آفلاین کلاس سالیانه فارسی ۱۲ گاج لایو

■ **دستور زبان: انواع «واو»** (دقیقه ۶ تا ۱۵) ■ **دستور زبان: زمان فعل** (دقیقه ۲۰ تا ۳۴) ■ **شیوهٔ عادی و بلاغی و نقش‌یابی** (دقیقه ۳۶ تا ۷۳) ■ **دستور زبان: واژه‌های چندمعنایی** (دقیقه ۷۳ تا پایان)	جلسه ۲۱	■ **دستور زبان: نقش‌های تبعی** (دقیقه ۲ تا ۳۸) ■ **نکته‌های متن درس ۱۴** (دقیقه ۴۲ تا پایان)	جلسه ۲۶
■ **خواندن شعر «خوان هشتم»** (دقیقه ۱ تا ۲۰) ■ **درک مطلب و مفهوم درس ۱۳** (دقیقه ۲۲ تا ۵۰) ■ **آرایه‌های درس ۱۳** (دقیقه ۵۵ تا پایان)	جلسه ۲۲	■ **درک مطلب و مفهوم درس ۱۶** (دقیقه ۱ تا ۳۵) ■ **آرایه‌های درس ۱۶** (دقیقه ۳۶ تا پایان)	جلسه ۲۷
■ **درک مطلب و مفهوم درس ۱۴** (دقیقه ۱ تا پایان)	جلسه ۲۳	■ **آرایه‌های درس ۱۶** (دقیقه ۱ تا ۲۳) ■ **نکته‌های درس ۱۶** (دقیقه ۲۵ تا پایان)	جلسه ۲۸
■ **ادامهٔ آرایه‌های درس ۱۳** (دقیقه ۱ تا ۱۹) ■ **آرایه‌های درس ۱۴** (دقیقه ۱۹ تا ۶۷) ■ **ادامهٔ نکات متن درس ۱۲** (دقیقه ۷۰ تا پایان)	جلسه ۲۴	■ **درک مطلب و مفهوم درس ۱۷ و ۱۸ و نیایش** (دقیقه ۴ تا ۵۸) ■ **آرایه‌های درس ۱۷** (دقیقه ۵۹ تا پایان)	جلسه ۲۹
■ **مرور درک مطلب و مفهوم درس ۱۴** (دقیقه ۳ تا ۱۲) ■ **نکته‌های متن درس ۱۳** (دقیقه ۱۳ تا ۸۱) ■ **دستور زبان: ساختارهای دستوری کهن و انواع «ان»** (دقیقه ۸۲ تا پایان)	جلسه ۲۵	■ **شیوهٔ جمع‌بندی و مرور** (دقیقه ۱ تا ۳۰) ■ **آرایه‌های درس ۱۸ و «نیایش»** (دقیقه ۳۴ تا ۷۰) ■ **تکمیل جزوهٔ دستور زبان** (دقیقه ۷۰ تا پایان)	جلسه ۳۰

لینک ویدیوهای آفلاین کلاس جمع‌بندی فارسی ۱۲ (زودپز)

■ **املا درس ۱ تا ۶** (دقیقه ۱ تا ۷۲) ■ **درک‌مطلب درس ۱ و ۲** (دقیقه ۷۳ تا پایان)	جلسه ۱	■ **دستور زبان: تمرین وابسته‌های وابسته، ترکیب‌های وصفی و اضافی ، واو عطف و ربط** (دقیقه ۱ تا ۹۵) ■ **درک‌مطلب و مفهوم درس ۶ و ۷** (دقیقه ۹۷ تا پایان)	جلسه ۸
■ **املا درس ۷ تا ۱۳** (دقیقه ۱ تا ۷۴) ■ **درک‌مطلب درس ۲ تا ۵** (دقیقه ۷۴ تا پایان)	جلسه ۲	■ **دستور زبان: جملهٔ ساده و مرکب، مبانی نقش‌یابی، افعال اسنادی** (دقیقه ۱ تا ۱۰۱) ■ **درک‌مطلب و مفهوم درس ۷** (دقیقه ۱۰۱ تا پایان)	جلسه ۹
■ **آرایه‌های ادبی: ایهام و پارادوکس** (دقیقه ۱ تا ۸۲) ■ **املا درس ۱۴ تا پایان کتاب** (دقیقه ۸۳ تا پایان)	جلسه ۳	■ **دستور زبان : قید ؛ منادا و تمرین نقش‌یابی** (دقیقه ۱ تا ۶۰) ■ **درک‌مطلب و مفهوم درس ۸ و ۹** (دقیقه ۶۰ تا پایان)	جلسه ۱۰
■ **آرایه‌های ادبی: حسن‌تعلیل ، اسلوب‌معادله ، تشبیه، اضافهٔ تشبیهی ، تضمین ، تلمیح** (دقیقه ۱ تا پایان)	جلسه ۴	■ **دستور زبان : نقش پذیرفتن جملات، نقش‌های تبعی، انواع را، نقش ضمایر پیوسته** (دقیقه ۱ تا ۹۷) ■ **درک‌مطلب و مفهوم درس ۱۰ و ۱۱** (دقیقه ۹۷ تا پایان)	جلسه ۱۱
■ **آرایه‌های ادبی: استعاره و مجاز** (دقیقه ۱ تا ۹۸) ■ **درک‌مطلب و مفهوم درس ۶** (دقیقه ۹۹ تا پایان)	جلسه ۵	■ **حذف اجزای جمله، شیوهٔ بلاغی، زمان فعل، پی‌بردن به معنای واژه، واژه‌های چند معنایی، افعال چند معنایی، ساختارهای دستوری زبان کهن، انواع «ان»، واژگان هم‌آوا** (دقیقه ۱ تا ۱۰۷) ■ **درک‌مطلب و مفهوم: زمینه‌های حماسه درس ۱۲** (دقیقه ۱۰۸ تا پایان)	جلسه ۱۲
■ **آرایه‌های ادبی: ادامهٔ تلمیح و استعاره و مجاز** (دقیقه ۱ تا ۷۸) ■ **حس‌آمیزی، جناس، سجع** (دقیقه ۷۹ تا پایان)	جلسه ۶	■ **زمینه‌های حماسه** (دقیقه ۳ تا ۲۹) ■ **هفت وادی عطار** (دقیقه ۲۹ تا پایان)	جلسه ۱۳
■ **دستور زبان: گروه اسمی و وابسته‌های وابسته** (دقیقه ۱ تا پایان)	جلسه ۷	■ **درک مطلب و مفهوم درس ۱۳، ۱۶، ۱۷ و ۱۸** (دقیقه ۱ تا ۶۸) ■ **حلّ نمونه سؤال و تحلیل امتحانات نهایی برگزارشده** (دقیقه ۷۰ تا پایان)	جلسه ۱۴

فارسی دوازدهم در ۴۴ جلسه

مراحل مشاهده ویدیوها در سایت gajlive.ir

۱ ابتدا کیوآرکد (QR Code) را اسکن کنید تا وارد سایت **گاج‌لایو** شوید.

۲ برچسب زیر را بخراشید و **کد اختصاصی** خود را در سایت وارد کنید.

۳ پس از دریافت پیام «دوره با موفقیت ثبت شد»، قفل ویدیوها از بخش **کلاس‌های من** برای شما باز خواهند شد.

در صورت بروز هرگونه مشکل با **۰۲۱-۶۴۲۰** تماس بگیرید

پشتیبانی

۰۲۱-۶۴۲۰

@ble.ir/gajlive

www.gajlive.ir



ستایش

مَلِکا، ذِکرِ تو گویَم

۱

ملکا، ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی — نروم جز به همان ره که تو‌ام راه نمایی

قلمرو زبانی مَلِک: ۱. پادشاه، خداوند ۲. نقش دستوری ← مُنادا ۳. نشانهٔ ندا ← «ا» (ملکا) ۴. حذف ← «با تو هستم، به من گوش بده، توجّه کن» (بعد از ملکا = مُنادا) حذف به قرینهٔ معنایی / ذِکر: یاد کردن، بر زبان راندن / مرجع ضمیر «تو» (در تمامی ابیات این شعر): معشوق (خداوند) / ذکر تو: ترکیب اضافی (دی ۹۸ خارج) / خدا: مسند / ره: متمّم (دی ۹۸ خارج) / جملهٔ پایانی بیت (= که تو‌ام راه‌نمایی): به دو صورت، تلفّظ و معنی می‌گردد:

۱ ... که تو راهنمای من هستی [تو: نهاد / راهنما: مسند / ام (من): مضاف‌الیه (راهنمایِ من) / یی: مخفّفِ «هستی» = فعل اسنادی]

۲ ... که تو به من راه (را) نمایی (نشان‌دهی)؛ [تو: نهاد / ام (من): متمّم (به من) / راه: مفعول / نمایی: فعل]

قلمرو ادبی قالب شعر: غزل / قافیه‌های این غزل (به ترتیب): خدایی، نمایی، سزایی، ثنایی، نیایی، جزایی، فزایی، رهایی / استعاره: مَلِک ← استعاره از «معشوق= خداوند»

قلمرو فکری معنی: ای پادشاه (خداوندا) نام تو را بر زبان می‌آورم، چرا که تو (پروردگار) مُنزّه و پاک هستی. فقط به راهی که تو به من نشان می‌دهی قدم می‌گذارم. (جُز راهی که تو به من نشان دهی به راهِ دیگری نمی‌روم) / مفهوم: اشاره به صفات خداوند، از جمله پاکی و هدایتگری

■ این بیت، یادآور مفاهیم سورهٔ مبارکهٔ «حمد» است.

۲

همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم — همه توحید تو گویم که به توحید سزایی

قلمرو زبانی جویم: جست‌وجو می‌کنم / فَضل: بخشش، کَرَم / پویم: از مصدرِ «پوییدن»؛ حرکت به سوی مقصدی برای به دست آوردن و جُست‌وجوی چیزی؛ تلاش؛ رفتن (دی ۱۴۰۱، شهریور ۹۹ خارج) / سِزا: سزاوار، شایسته، لایق

قلمرو ادبی جناس ناهمسان (اختلافی): جویم و پویم و گویم / تکرار: همه، توحید، تو / واج‌آرایی: تکرار صامت «ت»

قلمرو فکری معنی: فقط درگاهِ تو را جست‌وجو می‌کنم. به سبب بخشش و کرم تو در تلاش و حرکت هستم. فقط یگانگی تو را بر زبان می‌آورم که سزاوار توحید هستی. / مفهوم: برتریِ معشوق (خداوند) بر همه کس و همه چیز [فقط «معشوق» و دیگر هیچ] + اقرار به یگانگیِ خداوند

۳

تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی — تو نمایندهٔ فضلی تو سزاوار ثنایی

قلمرو زبانی حکیم: دانا به همه چیز، دانای راست‌کِردار، از نام‌های خداوندِ تعالی؛ بدین معنا که همهٔ کارهای خداوند از روی دلیل و بُرهان است و کار بیهوده انجام نمی‌دهد / کریم: بسیار بخشنده، بخشاینده، از نام‌ها و صفاتِ خداوند / رحیم: بسیار مهربان، از نام‌ها و صفات خداوند / نماینده: آن که آشکار و هُویدا می‌کند؛ نشان‌دهنده / ثَنا: ۱. ستایش، سپاس ۲. هم‌آوا با ← «سنا»: روشنایی (دی ۹۷ خارج و دی ۱۴۰۱) / مُسندهای بیت: حکیم، عظیم، کریم، رحیم، نماینده و سزاوار (فضل و ثنا ← هر دو: مضاف‌الیه) / ی (ای): همگی ← مُخفّفِ فعلِ اسنادی «هستی» (تو حکیم هستی، تو عظیم هستی و ...)

قلمرو ادبی تکرار: تو / واج‌آرایی: تکرار صامت «ت» و مصوّت‌های «ـُـ» و «ای»

قلمرو فکری معنی: تو دانا، بزرگ و بسیار بخشنده و مهربان هستی. تو نشان‌دهندهٔ (دارای) فضل و بخشش و سزاوارِ ستایش. / مفهوم: ذکر صفات الهی

۴

توان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی — نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی

قلمرو زبانی وَصف: توصیف کردن، بیان و شرحِ چگونگی و حالت (هم‌خانوادهٔ «اوصاف، توصیف، موصوف و ...») / نگُنجی: جای نمی‌گیری (هم‌خانوادهٔ «گُنجایش») / شِبْه: مانند، مِثل، همسان خرداد ۱۴۰۱ / وَهم: پندار، تصوّر، خیال

قلمرو ادبی جناس ناهمسان (اختلافی): فهم و وهم / تکرار: نتوان، تو، گفتن / آرایهٔ «موازنه» (ویژهٔ علوم انسانی): نتوان ← نتوان / وصف ← شبه / تو گفتن که تو در ← تو گفتن که تو در / فهم ← وهم /نگنجی ← نیایی / واج‌آرایی: تکرار صامت «ت» [نکته: مصراع دوم تلمیح دارد به آیهٔ «لیس کمثله شئ» (چیزی شبیه (مِثلِ) او وجود ندارد)؛ فقط اِشکال کار، آن است که این آیهٔ معروف در کتاب‌های فارسی دورهٔ دبیرستان نیامده‌است!]

قلمرو فکری معنی: توصیف تو را نمی‌توان برشمرد چرا که تو در فهم و اِدراکِ محدودِ انسان نمی‌گنجی و نمی‌توان شبیه و مانندی برایت ذکر کرد زیرا تو (حتّی) به وهم و خیال نیز درنمی‌آیی. دی ۹۹ خارج / مفهوم: ناتوانیِ انسان از وصف و درکِ خداوند

این بیت، ارتباط معنایی دارد با: ۱. با خرد و دانش خود آنچه خواهد، تواند. سنجش نیروی او در توان ما نیست. خرداد ۱۴۰۳ ۲. واصفان حلیهٔ جمالش به تحیّر منسوب که ماعَرَفناکَ حَقَّ معرفَتِک. دی ۱۴۰۳

۵

همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی — همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی

قلمرو زبانی عِزّ: ارجمندی، گرامی شدن؛ مقابلِ «ذُلّ» (هم‌خانوادهٔ «عزّت، عزیز و ...») / جلال: بزرگواری، شُکوه، از صفات خداوند که به مقامِ کِبریایی او اشاره دارد / یقین: بی‌شُبهه و شک بودن، امری که واضح و ثابت شده‌باشد / سُرور: شادی، خوشحالی خرداد ۱۴۰۱ / جُود: بخشش، سخاوت، کَرَم / جَزا: پاداشِ کارِ نیک

قلمرو ادبی تکرار: همه / واج‌آرایی: تکرار مصوّت بلند «ای» و مصوّت کوتاه « ـُ » / آرایهٔ «ترصیع» (ویژهٔ علوم انسانی): همه ← همه / عزّی ← نوری / جلالی ← سروری / همه ← همه / علمی ← جودی / یقینی ← جزایی

قلمرو فکری معنی: تو تمامی ارجمندی، شکوه، دانش، یقین، نور، شادی، بخشش و پاداش هستی. / مفهوم: ذکر صفات خداوند

۶

همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بپوشی — همه بیشی تو بکاهی، همه کَی تو فزایی

قلمرو زبانی بیش: افزونی، زیادی / بِکاهی: از مصدر «کاستن»؛ کم کنی (هم‌خانوادهٔ «کاهش») / کم: اندک / فَزایی: بیفزایی، زیاد و افزون نمایی (هم‌خانوادهٔ «افزایش»)

قلمرو ادبی جناس ناهمسان(اختلافی): غیبی و عیبی / تضاد: ۱. بیشی و کمّی ۲. بکاهی و فزایی / واج‌آرایی: تکرار مصوّت «ای» / تکرار: همه و تو / ترصیع [ویژهٔ علوم انسانی] / تلمیح: بیت اشاره دارد به آیهٔ « تُعِزُّ مَن تشاء و تُذِلُّ مَن تَشاء» [ترجمهٔ آیه: (خداوند) هر آن کس را که بخواهد عزّت می‌دهد و هر آنکه را بخواهد ذلیل می‌گرداند.] شهریور ۱۴۰۱

قلمرو فکری معنی: (خداوندا) تو به تمام امور غیبی و ناپیدا آگاه هستی و همهٔ عیب‌ها را می‌پوشانی؛ همهٔ کم و زیاد شدن‌ها به دست توست. شهریور ۹۹ خارج

مفهوم: ۱. عالِم الغیب‌بودنِ خداوند ۲. ستّارالعیوب‌بودنِ پروردگار ۳. عزّت و ذلّتِ انسان‌ها در دستِ خداوند است.

۷

لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید — مگر از آتش دوزخ بُوَدش روی رهایی

حکیم سنایی غزنوی

قلمرو زبانی مگر: ۱. امید است (قید آرزو و تمنّا) ۲. شاید (قید تردید) / دوزخ: جهنّم / مرجع «ش» (بودش): سنایی / روی: مجاز از «چاره، اِمکان»

قلمرو ادبی لب و دندان: ۱. مراعات‌نظیر ۲. مَجاز از «کُلّ وجود» / ایهام تناسب: روی: ۱. امکان و چاره (حضور معنایی دارد) ۲. صورت (معنی نمی‌دهد امّا با واژه‌های «لب و دندان» تناسب معنایی دارد.) / مراعات‌نظیر: آتش و دوزخ خرداد ۱۴۰۰ خارج / تخلُّص: «سنایی» ← تخلُّصِ شاعر [تخلّص، آرایهٔ ادبی نیست] / مجاز: روی ← مَجاز از «چاره، اِمکان»

قلمرو فکری معنی: لب و دندان (همهٔ وجود = تمامیِ اعضای) سنایی، توحید و یگانگی تو را می‌گوید؛ به این امید که امکانِ رهایی از آتش جهنّم برای او وجود داشته‌باشد. دی ۹۷ خارج / مفهوم: وصفِ توحید خداوند به امیدِ رهایی از آتش جهنّم

درس اوّل

شُکرِ نِعمَت



منّت خدای را، عزّوجلّ، که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.

قلمرو زبانی منّت: سپاس، شُکر، نیکویی / عَزَّوجلّ: گرامی، بزرگ و بلندمرتبه است (بعد از ذکر نام خداوند به کار می‌رود) / طاعت: اطاعت، عبادت / قُربت: ۱. نزدیکی (هم‌خانوادهٔ «قُرب، مقاربت، قرابت») ۲. هم‌آوا با ← «غُربت»: دوری (دی ۱۴۰۲) / مَزید: افزونی، زیادی / دو حرف اضافه برای یک متمّم: به شکر اندرش [شکر: متمّم / به: حرف اضافهٔ اوّل / اندر = در: حرف اضافهٔ دوم] / مرجعِ «ش» (طاعتش و اندرش): هر دو «خدا» / نقش «ش»: هر دو ← مضاف‌الیه (طاعتِ او / شُکرِ او) / حذف: فعلِ «است» (بعد از واژهٔ «نعمت») به قرینهٔ لفظی حذف شده است

قلمرو ادبی شیوهٔ نگارش این درس: نثرِ «آهنگین و مُسجّع» (دارای سَجع) / سجع: قُربت و نعمت

قلمرو فکری معنی: شُکر و سپاس، مخصوصِ خداوند گرامی و بلندمرتبه است؛ خداوندی که اطاعت از او موجبِ نزدیکی به اوست و شُکرگزاری او باعث افزایش نعمت است. (خرداد و دی ۹۹ خارج)

■ این عبارت، قرابت معنایی دارد با:

«شُکر نعمت، نعمتت افزون کند　　کُفر نعمت از کَفت بیرون کند»　　(مولانا)

هر نفسی که فرومی‌رود، مُمِدِّ حیات است و چون برمی‌آید، مُفرِّحِ ذات. پس در هر نَفَسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.

قلمرو زبانی هر نَفَسی: هر یک نَفَس / فرومی‌رود: پایین می‌رود؛ عمل «دَم» (در تنفُّس) / مُمِدّ: مَدَدکننده، یاری‌رساننده (هم‌خانوادهٔ «اِمداد») (دی ۹۸ و ۹۹، خرداد ۹۸ خارج) / حیات: ۱. زندگی ۲. هم‌آوا با ← «حیاط»: میدان، مُحوّطه / برمی‌آید: بالا می‌آید؛ عملِ «بازدَم» / مُفَرّح: شادی‌بخش، فَرَح انگیز / ذات: وجود / حذف: فعل «است» (بعد از واژه‌های «ذات» و «واجب») به قرینهٔ لفظی حذف شده‌است (خرداد ۹۸، خرداد ۹۸ خارج)

قلمرو ادبی تضاد: فرومی‌رود و برمی‌آید / سجع: ۱. فرومی‌رود و برمی‌آید ۲. حیات و ذات ۳. موجود و واجب [سجعِ متوازن ← اشتراک فقط در «وزن»] (خرداد ۱۴۰۲)

قلمرو فکری معنی: هر نفسی که فرومی‌رود (دَم) یاریگر زندگی است (شهریور ۱۴۰۲) و وقتی بالا می‌آید (بازدَم) شادی‌بخشِ وجود است. (خرداد ۱۴۰۴) پس در هر یک نَفَس (کشیدن) دو نعمت وجود دارد و برای هر نعمتی یک شُکر واجب است. (شهریور ۹۹، دی ۹۸) / مفهوم: باید شُکرگزارِ لحظهٔ لحظهٔ زندگی بود.

از دست و زبانِ که برآید　　کز عهدهٔ شکرش به درآید؟

قلمرو زبانی که (مصراع اوّل): به معنی «چه کسی؟» / برآید: از مصدرِ «برآمدن»؛ به معنی «از عهده برآمدن، انجام دادن» / ش: ۱. مرجع ← خداوند ۲. نقش ← مضاف‌الیهِ مضاف‌الیه (وابستهٔ وابسته ← عهدهٔ شکرِ او) / استفهام انکاری: مصراع اوّل ← از دست و زبانِ هیچ کس برنمی‌آید

قلمرو ادبی دست و زبان: ۱. مراعات‌نظیر ۲. مَجاز [دست ← مَجاز از «توانایی»، «عمل و کردار» / زبان ← مَجاز از «سخن و گفتار»] (خرداد ۹۹ خارج)

قلمرو فکری معنی: هیچ کس نمی‌تواند با کِردار و گفتارِ خود، شُکر و سپاس خداوند را به جای آورد. (خرداد ۱۴۰۱، دی ۹۹ خارج) / مفهوم: عَجز و ناتوانیِ انسان در سپاس‌گزاری از پروردگار.

«اِعمَلُوا آلَ داوُدَ شُکراً وَ قلیلٌ مِن عِبادِیَ الشَّکُورُ».

قلمرو ادبی آیهٔ «تضمین»: سعدی، آیه‌ای از قرآن را در کلامِ خود آورده‌است [سورهٔ سبا، آیهٔ ۱۳]

قلمرو فکری معنی: ای خاندانِ داود، سپاس‌گُزارید و عدّهٔ کمی از بندگانِ من، سپاس‌گُزارند.

بنده همان به که ز تقصیرِ خویش — عذر به درگاهِ خدای آورد
ورنه، سزاوارِ خداوندی‌اش — کس نتواند که به جای آورد

قلمرو زبانی بِه: بهتر / تقصیر: گناه، کوتاهی، کوتاهی کردن / عُذر: معذرت‌خواهی، پوزش / وَرنه: مخفّفِ «و اگر نه» / حذف: فعلِ «است» (بعد از «بِهْ» مصراع اوّل) به قرینهٔ معنایی حذف شده‌است (خرداد ۱۴۰۴، دی ۱۴۰۲ خارج، شهریور ۹۹، خرداد ۹۸) / مرجع ضمیر «خویش»: بنده

قلمرو ادبی قالب شعر: قطعه / قافیهٔ قطعه: «خدای» و «جای» / ردیف: «آوَرَد»

قلمرو فکری معنی: بنده همان بهتر است که به خاطرِ کوتاهی (در عبادت و شکرگزاری) در پیشگاه خداوند پوزش بخواهد و گرنه آنچه را که سزاوار خداوند است، هیچ‌کس نمی‌تواند به جای بیاورد. / مفهوم: ناتوانیِ انسان از سپاس‌گزاری و شُکرگزاریِ خداوند.

باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی‌دریغش همه جا کشیده.

قلمرو زبانی بی‌حساب: بی‌اندازه، فراوان / همه را: به همه [را: حرف اضافه به معنیِ «به»؛ همه ← متمّم] / خوان: ۱. سفره، سفرهٔ فَراخ و گُشاده ۲. هم‌آوا با ← «خان»: بزرگ، رئیس / بی‌دریغ: بی‌مُضایقه، بدون چشم‌داشت / حذف: فعلِ «است» (بعد از «رسیده» و «کشیده») حذف به قرینهٔ معنایی / زمان فعل‌های «رسیده» و «کشیده»: هر دو ← ماضی نقلی (رسیده‌است و کشیده‌است)

قلمرو ادبی تشبیه: ۱. بارانِ رحمت (رحمت: مشبّه / باران: مشبّه‌به) ← اضافهٔ تشبیهی ۲. خوانِ نعمت (نعمت: مشبّه / خوان: مشبّه‌به) ← اضافهٔ تشبیهی / سجع: رسیده و کشیده

قلمرو فکری معنی: رحمت فراوانِ خداوند همچون باران به همه رسیده (دی ۱۴۰۳) و نعمتِ بدونِ مُضایقهٔ او مانند سفره‌ای گُشاده در همه جا گُسترده شده‌است. (خرداد ۱۴۰۴ فنّی، شهریور ۱۴۰۳، خرداد ۱۴۰۱ خارج، خرداد ۱۴۰۰ خارج، شهریور ۹۸) / مفهوم: اشاره به «گستردگی و فراگیری و همگانی بودنِ رحمت و لطف و نعمت الهی».

پردهٔ ناموس بندگان به گناهِ فاحش ندرد و وظیفهٔ روزی به خطای مُنکَر نبُرد.

قلمرو زبانی ناموس: آبرو، شرافت / فاحِش: آشکار، واضح (دی ۱۴۰۳) / وظیفه: مُقرّری، وَجهِ معاش / روزی: رِزق؛ مقدار خوراک یا وَجهِ معاش که هر کس روزانه به دست می‌آورد یا به او می‌رسد/ وظیفهٔ روزی: رزقِ مُقرّر و مُعیّن / بُریدنِ وظیفه: قطع کردنِ مُقرّری / مُنکَر: زشت، ناپسند (خرداد ۱۴۰۰) / گروه اسمی: پردهٔ ناموس بندگان [پرده: هستهٔ گروه اسمی / ناموس: مضاف‌الیه / بندگان: مضاف‌الیهِ مضاف‌الیه (وابستهٔ وابسته)]

قلمرو ادبی تشبیه: پردهٔ ناموس (ناموس: مشبّه / پرده: مشبّه‌به) ← اضافهٔ تشبیهی / کنایه: پردهٔ ناموسِ کسی را دریدن ← کنایه از «رُسوا و بی‌آبرو کردنِ کسی» / ندرد و نبرد: ۱. جناس ناهمسان(اختلافی) ۲. سجع (شهریور ۹۹ خارج)

قلمرو فکری معنی: (خداوند) آبروی بندگان را با وجودِ ارتکاب گناهِ آشکار نمی‌ریزد و روزی و رزقِ مُقرّر آنان را با وجودِ خطاکاربودنشان قطع نمی‌کند. (خرداد ۱۴۰۳ فنّی، دی ۱۴۰۱، خرداد ۱۴۰۱ و ۹۸، دی ۹۸ و ۹۷)

مفهوم: جملهٔ اوّل ← (اشاره به) «ستّارالعیوب» بودنِ خداوند (دی ۹۹ و دی ۹۷ خارج) جملهٔ دوم ← (اشاره به) «رَزّاقیتِ» خداوند [«ستّارالعیوب» و «هُوَالرّزاق»]

■ این عبارت، ارتباط معنایی دارد با:

۱. ولیکن خداوندِ بالا و پست — به عصیان، درِ رِزق بر کس نبست
۲. آدیم زمین، سفرهٔ عامِ اوست — برین خوان یغما چه دشمن چه دوست [آدیم: چرم]
۳. دو کونش یکی قطره از بَحرِ علم — گُنَه بیند و پرده پوشد به حِلْم [دوکَون: دو جهان = دنیا و آخرت]
۴. کَرَم‌های تو ما را کرد گُستاخ

■ «پردهٔ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد»، با قسمت «همه عیبی تو بپوشی» در مصراع «همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بپوشی»، ارتباط معنایی دارد. (شهریور ۱۴۰۳)

فـرّاشِ بـادِ صبـا را گفتـه تـا فـرشِ زمرّدین بگـسترد و دایهٔ ابر بهـاری را فرموده تا بنـاتِ نبات در مهـد زمین بپرورد.

قلمرو زبانی فَرّاش: فرش‌گُستر، گُستردهٔ فرش / صبا: ۱. بادی که از طرفِ شمالِ شرقی می‌وزد؛ باد بهاری ۲. هم‌آوا با ← «سَبا»: شهری که بلقیس، ملکهٔ آن شهر بود / زُمرّدین: منسوب به زُمرّد [زمرّد ← یکی از سنگ‌های قیمتی به رنگ سبز] / دایه: زنی که به جای مادر به کودک شیر می‌دهد یا از او پرستاری می‌کند / بَنات: جمعِ «بِنت»؛ دختران / نَبات: گیاه، رُستنی / مَهد: گهواره / حذف: فعل «است» (بعد از «گفته» و «فرموده») به قرینهٔ معنایی حذف شده‌است [زمان هر دو فعل «گفته‌است» و «فرموده‌است»: ماضی نقلی] / را: (هر دو) حرف اضافه به معنیِ «به» [«فراش باد صبا» و «دایهٔ ابر بهاری» ← متمّم] خرداد ۱۴۰۱ خارج

قلمرو ادبی تشبیه: ۱. فرّاشِ باد صبا (باد صبا: مشبّه / فرّاش : مشبّه‌به) ۲. دایهٔ ابر بهاری (ابر بهاری: مشبّه / دایه: مشبّه‌به) ۳. بناتِ نبات (نبات: مشبّه / بنات: مشبّه‌به) ۴. مهدِ زمین (زمین: مشبّه / مهد: مشبّه‌به) [همگی ← اضافهٔ تشبیهی] شهریور ۱۴۰۱، دی ۱۴۰۰ / استعاره: فرش زمرّدین ← استعاره از «سبزه‌ها و چمن‌ها» خرداد ۱۴۰۴ فنّی، خرداد ۱۴۰۰، شهریور ۹۸، دی ۱۴۰۰، شهریور ۹۸ خارج، دی ۹۷ / تشخیص: ۱. باد صبا ۲. ابر بهاری ۳. نبات / جناس ناهمسان (افزایشی): فرّاش و فرش / سجع: ۱. گفته و فرموده ۲. بگسترد و بپرورد / اشتقاق (ویژهٔ علوم انسانی): فرّاش و فرش

قلمرو فکری معنی: (خداوند) به باد صبا که همچون فرش‌گسترنده‌ای است، دستور داده که بر روی زمین، فرشی از چمن و سبزه بگستراند و به ابر بهاری که مانند پرستاری(دایه‌ای) است فرمان داده تا گیاهان را در گهوارهٔ زمین پرورش دهد. خرداد ۹۸

مفهوم: رویشِ گیاهان و سبزه‌ها بر زمین به امرِ پروردگار. شهریور ۹۹

درختان را به خِلعتِ نوروزی، قبای سبزِ ورق دربر گرفته و اطفالِ شاخ را به قدومِ موسمِ ربیعْ، کلاهِ شکوفه بر سر نهاده.

قلمرو زبانی خلعت: جامهٔ دوخته‌شده که فردِ بزرگی به کسی ببخشد / قَبا: جامه، جامه‌ای که از سوی پیش (جلو) باز است و پس از پوشیدن، دو طرفِ پیش را با دُکمه به هم پیوندند خرداد ۱۴۰۴ فنّی / وَرَق: برگ / دربرگرفته: پوشانده، به تن کرده / اَطفال: جمعِ «طِفْل» / شاخ: شاخهٔ درخت / قُدوم: آمدن، قدم نهادن، فرا رسیدن / موسم: فصل، هنگام، زمان / ربیع: بهار / حذف: فعلِ «است» (بعد از «دربرگرفته» و «نهاده») به قرینهٔ معنایی حذف شده است [دربرگرفته (است) و نهاده (است): ماضی نقلی] / را: ۱. اوّلی ← حرف اضافه، به معنی «بر» ۲. دومی ← نشانهٔ فکّ اضافه [اطفال شاخ را ... بر سر ← بر سرِ اطفالِ شاخ]

قلمرو ادبی تشبیه: ۱. قبای سبز ورق (ورق: مشبّه / قبای سبز: مشبّه‌به) ۲. اَطفالِ شاخ (شاخ: مشبّه / اطفال: مشبّه‌به) ۳. کلاهِ شکوفه (شکوفه: مشبّه / کلاه: مشبّه‌به) [همگی ← اضافهٔ تشبیهی] / تشخیص: شاخ (به سببِ کلاه و سر و اطفال) [برخی از همکاران، «درختان» را (به سببِ دربرگرفتن و قبا و خلعت) و «ربیع» را (به‌خاطرِ قدوم = قدم نهادن) تشخیص می‌دانند] / مراعات‌نظیر: ۱. درختان، سبز، ورق، شاخ و شکوفه ۲. خلعت، قبا و کلاه / سجع: دربرگرفته و نهاده

قلمرو فکری معنی: بر تنِ درختان به عنوانِ لباسِ نوروزی (عید)، برگ سبز پوشانده و با فرارسیدنِ فصل بهار بر سر شاخه‌های نودمیدهٔ مانندِ اطفال، کلاهی از شکوفه گذاشته‌است.

عُصارهٔ تاکی به قدرتِ او شهدِ فایق شده و تخمِ خرمایی به تربیتش نخلِ باسق گشته.

قلمرو زبانی عُصاره: آبی که از فشردنِ میوه یا چیز دیگر به دست آورند؛ اَفشُره؛ شیره / تاک: درخت انگور، رَز خرداد ۱۴۰۳ فنّی / مرجعِ «او» و «ش»: (هردو) خداوند / شَهد: عسل / فایق: برگزیده، برتر خرداد ۱۴۰۴، دی ۹۹ خارج / شَهدِ فایق: عسل خالص / تخمِ خرما: هستهٔ خرما / تربیت: پرورش / نَخل: درخت خرما / باسِق: بلند، بالیده خرداد ۱۴۰۳ فنّی، خرداد و شهریور ۹۹ / نقش دستوری «ش»: مضاف‌الیه ← تربیتِ او / حذف: فعل «است» (در پایان هر دو جمله) حذف به قرینهٔ معنایی [شده‌است / گشته‌است ← ماضی نقلی]

قلمرو ادبی مراعات‌نظیر: تاک و خرما (نخل) / سجع: فایق و باسق (!)، شده و گشته دی ۱۴۰۲، دی ۹۷

قلمرو فکری معنی: شیرهٔ انگور با قدرتِ خداوند به عسلِ خالص تبدیل شده خرداد ۱۴۰۲ و هستهٔ خرما با پرورش او به نَخلِ بلندی بَدَل گشته‌است. شهریور ۱۴۰۱، شهریور ۹۹ خارج / مفهوم: تأکید بر «قدرت و توانایی خداوند»

ابر و باد و مَه و خورشید و فلک در کارند — تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

همه از بهرِ تو سرگشته و فرمانبردار — شرطِ انصاف نباشد که تو فرمان نبری

قلمرو زبانی مَهْ: مُخفّفِ «ماه» / فَلَک: آسمان / غفلت: بی‌خبری، ناآگاهی (هم‌خانوادهٔ «غافل، مغفول، اِغفال») / مرجع «همه»: همان «ابر و باد و ماه و خورشید و فلک» / از بهرِ: برای (حرف اضافه) / بهر: هم‌آوا با ← «بحر»: دریا / مرجع ضمیر «تو»: (هر سه) انسان / سرگشته: حیران، سرگردان / حذف: فعل «اند» (بعد از فرمانبردار) حذف به قرینهٔ لفظی

توجه اگر بیت دوم به تنهایی در آزمون بیاید، آن‌گاه نوعِ این حذف، تغییر می‌کند به قرینهٔ معنایی

قلمرو ادبی قالب شعر: قطعه / قافیه‌های قطعه: «نخوری» و «نبری» / مَجاز: نان ← مَجاز از «رِزق و روزی» / ابر و باد و مه و خورشید و فلک: ۱. مراعات‌نظیر ۲. مَجاز از «کُلّ آفرینش» / کنایه: (نانی) به کف آری ← (روزی) به دست آوری دی ۱۴۰۲ / واج‌آرایی: (مصراع اوّل) تکرار مصوّت کوتاهِ «ـُـ»

قلمرو فکری معنی: ابر و باد و ماه و خورشید و آسمان (تمامی پدیده‌ها) مشغولِ کارند تا اینکه تو روزیِ خود را به دست آوری و در غفلت و بی‌خبری (از یاد خداوند) از آن استفاده نکنی. همهٔ پدیده‌ها برای آسایشِ تو در اختیارت قرار داده شده‌است (فرمانبُردارِ تو هستند)؛ حال، دور از انصاف و عدالت است که تو از خالقِ پدیده‌ها (= خداوند) فرمانبرداری نکنی.

مفهوم: ۱. برحَذَر داشتنِ انسان از غافل بودن از یاد و ذکرِ خداوند. (دی ۱۴۰۲ خارج) ۲. دست‌به‌دست دادنِ همهٔ پدیده‌ها برای رساندنِ روزی به انسان‌ها

■ این قطعه با بیت زیر، ارتباط معنایی دارد:

«گفتم این شرط آدمیّت نیست　　مرغ تسبیح‌گوی و من خاموش»

در خبر است از سَرورِ کاینات و مَفخرِ موجودات و رحمتِ عالمیان و صَفوَتِ آدمیان و تَتمّهٔ دَورِ زمان، محمّد مصطفی (ص)،

قلمرو زبانی خبر: حدیث، روایت / سَرْوَر: رئیس، بزرگ، پیشوا / کاینات: جمع «کاینه»؛ همهٔ موجودات جهان / مَفْخر: هرچه بِدان فَخر کنند و بنازند؛ مایهٔ افتخار / صَفْوَت: برگزیده، برگزیده از افرادِ بشر (خرداد ۱۴۰۴، شهریور ۹۹) / تَتمّه: باقی‌مانده / تَتمّهٔ دورِ زمان: مایهٔ تمامی و کمالِ گردشِ روزگار؛ مایهٔ تمامی و کمالِ دورِ زمانِ رسالت / مصطفی: برگزیده

قلمرو فکری معنی: در حدیثی از سَروَرِ موجودات و مایهٔ افتخارِ جهانیان و موجبِ رحمت و بخشایشِ انسان‌ها و برگزیدهٔ افرادِ بشر و مایهٔ کمالِ گردشِ روزگار، محمّد مصطفی، که درود و سلامِ خداوند بر او و خاندانش باد، نَقل شده‌است که ... [حدیث پیامبر، بعد از سه بیت بعدی آمده‌است ← هر گه که یکی از بندگان گنهکارِ پریشان روزگار...]

شفیعُ مُطاعُ نَبیٌّ کریم　　قَسیمُ جَسیمُ نَسیمُ وَسیم

قلمرو زبانی شفیع: شفاعت کننده، پایمرد / مُطاع: فرمانروا؛ اطاعت شده؛ کسی که دیگری، فرمانِ او را می‌بَرَد (خرداد ۱۴۰۰ خارج) / نَبی: پیغمبر، پیام‌آور، رسول / کریم: بخشنده، صاحب کَرَم / قَسیم: صاحب جمال / جَسیم: خوش‌اندام / نَسیم: خوش‌بو / وَسیم: دارای نشانِ پیامبری (دی ۹۸ خارج)

قلمرو ادبی جناس ناهمسان (اختلافی): قسیم، جسیم، نسیم، وسیم / واج‌آرایی: تکرار صامت‌های «س»، «م»، «ن» و تکرار مصوّت «ـُـ» و «ای» / آرایهٔ موازنه [ویژهٔ علوم انسانی]

قلمرو فکری معنی: او [پیامبر(ص)] شفاعت‌کننده، فرمانروا، پیام‌آور، بخشنده، صاحب جمال، خوش‌اندام، خوش‌بو و دارای نشانِ پیامبری است.

بَلَغَ العُلیٰ بِکَمالِهِ، کَشَفَ الدُّجیٰ بِجَمالِهِ　　حَسُنَتْ جَمیعُ خِصالِهِ، صَلُّوا عَلَیهِ وَآلِهِ

قلمرو زبانی بَلَغ: رسید / العُلی: مرتبهٔ بلند و والا (هم‌خانوادهٔ «علُو، اَعلی») / کَشَفَ: برطرف کرد، آشکار ساخت / الدُّجی: تاریکی‌ها / جمال: زیبایی / حَسُنت: زیبا است / خِصال: خوی‌ها، طینت‌ها؛ جمعِ «خِصلت»

قلمرو ادبی واج‌آرایی: تکرار صامت‌های «ل» و «ه»

قلمرو فکری معنی: (پیامبر) به سببِ کمالِ خود به مرتبهٔ بلند رسید و با جمالِ نورانیِ خود، تاریکی‌ها را برطرف کرد. همهٔ خوی‌ها و صفات او زیباست؛ بر او و خاندانش درود بفرستید.

چه غم دیوارِ امّت را که دارد چون تو پشتیبان؟　　چه باک از موجِ بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟

قلمرو زبانی اُمّت: پیروانِ یک پیامبر؛ جماعت؛ گروهی از مردم / باک: ترس، هراس / بَحر: ۱. دریا ۲. هم‌آوا با ← «بَهر»: برای (حرف اضافه) / مرجع «تو»: پیامبر(ص) / اِستفهام اِنکاری: ۱. چه غم؟ ← غمی نیست ۲. چه باک؟ ← باکی وجود ندارد / حذف: فعل «است» (بعد از «غم و باک») به قرینهٔ معنایی حذف شده است

قلمرو ادبی قافیهٔ بیت: پشتیبان و کشتیبان / تشبیه: دیوار اُمّت (امّت: مشبّه / دیوار: مشبّه‌به) ← اضافهٔ تشبیهی / تلمیح: اشاره به «داستان حضرت نوح (ع)» / مراعات‌نظیر: نوح، موج، بَحر و کِشتیبان (خرداد ۹۹ خارج) / جناس ناهمسان (اختلافی): پشتیبان و کشتیبان / اسلوب معادله: بیت دارای اسلوب معادله است. [امّت با پشتیبانی تو غمی ندارد همان‌گونه که هیچ‌کس با کشتیبانی نوح از موج دریا نمی‌هراسد.] (دی ۱۴۰۲ خارج، خرداد ۱۴۰۲)

قلمرو فکری معنی: (ای پیامبر) اُمّتی که پُشتیبانی مثل تو دارد، هیچ غمی نخواهد داشت (دی ۱۴۰۲) و کسانی که کشتیبان و هدایت‌گری چون نوح داشته‌باشند از امواجِ مشکلات و حوادث، ترسی ندارند.

مفهوم: ۱. دلگرم و امیدواربودن امّت اسلام به کمک و شفاعت پیامبر (ص) ۲. نترسیدن به سببِ داشتنِ رهبر و فرمانده (خرداد ۱۴۰۱ و ۹۸ خارج، دی ۹۷)

هر گَه که یکی از بندگان گنهکار پریشان روزگار دستِ انابت به امیدِ اجابت به درگاه حق جَلَّ وَعَلا بردارد، ایزدْ تَعالی در او نظر نکند بازش بخواند؛ باز اعراض فرماید. بار دیگرش به تضرّع و زاری بخواند.

قلمرو زبانی پریشان‌روزگار: بدبخت، بیچاره / اِنابت: توبه؛ بازگشت به سوی خدا؛ پشیمانی خرداد ۹۹ / اِجابت: پذیرفتن، قبول کردن / جَلَّ و عَلا: بزرگ و بلندْقدر است / باز: دوباره / ش (هردو): ۱. مرجع: خداوند ۲. نقش دستوری: (هردو) مفعول ← او را بخواند / اِعراض: روی‌گرداندن از کسی یا چیزی، روی‌گردانی خرداد ۱۴۰۱ خارج / تَضَرُّع: زاری کردن، التماس نمودن / بخواند: صدا زدن ← مضارع اخباری خرداد ۱۴۰۴ / ترادف: تضرّع و زاری

قلمرو ادبی کنایه: ۱. پریشان‌روزگار ← کنایه از «بیچاره» ۲. نظر نکند ← کنایه از «بی‌توجّهی» / جناس ناهمسان (اختلافی): انابت و اجابت / سجع: بردارد، نکند، بخواند، فرماید و بخواند

قلمرو فکری معنی: هر زمانی که یکی از بندگان گناهکار و بیچاره، دستان خود را برای توبه و پشیمانی و به امیدِ آمرزش و پذیرفته‌شدن به درگاهِ خداوند - که والا قدر و بزرگ است - بلند می‌کند خرداد ۱۴۰۳، خداوند بزرگ به او توجّهی نمی‌کند. دوباره خداوند را صدا می‌زند، پروردگار، باز (از او) روی برمی‌گرداند، آن بنده، بار دیگر با التماس و زاری، خدا را صدا می‌زند (و طلبِ آمرزش می‌کند). دی ۱۴۰۲ خارج / مفهوم: توبه به درگاه خدا شهریور ۱۴۰۱

حق، سُبْحانَهُ و تَعالی فرماید: یا مَلائِکَتی قَد استَحیَیْتُ مِن عَبْدی و لَیسَ لَهُ غَیری فَقَد غَفَرتُ لَهُ. دعوتش اجابت کردم و امیدش برآوردم که از بسیاری دعا و زاریِ بنده همی شرم دارم.

قلمرو زبانی یا ملائکتی: ای فرشتگانِ من (یا = حرف ندا / ملائکه = فرشتگان / ی = من) / قد استحییتُ: من شرم دارم (استحییت: هم‌خانوادهٔ «حیا» = شَرم) / مِن عبدی: از بنده‌ام (عبد = بنده) / و لَیس: و نیست / لَهُ غیری: برای او غیر از من کسی (= پناهی) / فَقَد غَفَرْتُ لَهُ: پس او را آمُرزیدم (غَفَر: هم‌خانوادهٔ «استغفار» = آمُرزش)

قلمرو ادبی سجع: کردم و برآوردم و دارم / تضمین: آوردن حدیثِ «یا ملائکتی ...»

قلمرو فکری معنی: ای فرشتگانم، من از بندهٔ خود شرم دارم و او جُز من پناهی ندارد، پس آمُرزیدمش.

■ ارتباط معنایی دارد با: «قبول است اگرچه هنر نیستش / که جُز ما پناهی دگر نیستش»

کَرَم بین و لطف خداوندگار / گنه بنده کرده ست و او شرمسار

قلمرو زبانی مرجع «او»: خداوند / حذف: فعل «بین» (بعد از «خداوندگار») به قرینهٔ لفظی حذف شده است شهریور ۱۴۰۲ / حذف: «است» (پایان بیت) ← حذف به قرینهٔ لفظی (شرمسار: مُسند) / واو: (هر دو) نشانهٔ ربط (پیوند) هم‌پایه‌ساز ← بینِ دو جمله آمده‌اند / خداوندگار: واژهٔ دوتلفّظی (خداوندِگار، خداوندْگار)

قلمرو ادبی قافیهٔ بیت: خداوندگار و شرمسار / تلمیح: بیت، تلمیح و اشاره دارد به همان روایتِ بالا «یا ملائکتی قد استحییت من عبدی و لیس له غیری فقد غفرت له»

قلمرو فکری معنی: کَرَم و لطف و محبّتِ خداوند را ببین؛ بندهٔ مُرتکبِ گناه شده (ولی) خداوند شرمنده است! شهریور ۱۴۰۰

مفهوم: اشاره به لطف و گذشت و مهربانیِ پروردگار

■ ارتباط معنایی دارد با: «الهی زهی خداوند پاک که بنده گناه کند و تو را شرم، کَرَم بود.» تذکرةالاولیای عطّار

عاکفانِ کعبهٔ جلالش به تقصیر عبادت معترف که: ما عَبَدناکَ حَقَّ عِبادَتِکَ، و واصفان حِلیهٔ جمالش به تحیّر منسوب که: ما عَرَفْناکَ حَقَّ مَعرِفَتِکَ.

قلمرو زبانی عاکِفان: جمعِ عاکف؛ کسانی که در مدّتی مُعیّن در مسجد بمانند و به عبادت بپردازند دی ۹۹ / جلال: عظمت، بزرگی / تقصیر: گناه، کوتاهی، کوتاهی کردن (هم‌خانوادهٔ «مُقصّر، قاصر، قُصور») / مُعترف: اِقرارکننده، اعتراف‌کننده / ما عبدناک حقّ عبادتک: ما چنان‌که شایسته است، تو را پرستش نکردیم / واصِفان: جمعِ «واصِف»؛ وصف‌کنندگان، ستایندگان (هم‌خانوادهٔ «وصف، توصیف، صفت، موصوف») / حِلیه: زیور، زینت / تحیُّر: سرگشتگی، سرگردانی (هم‌خانوادهٔ «حیرت، حیران، مُتحیّر») / مَنسوب: ۱. نسبت داده‌شده ۲. هم‌آوا با ← «مَنصوب»: گُماشته‌شده / ما عَرفناک حقّ معرفتک: ما آن‌چنان که سزاوارِ شناسایی توست، تو را نشناختیم / حذف: فعلِ «هستند» (بعد از «معترف» و «منسوب») ← حذف به قرینهٔ معنایی / مرجع «ش»: (هردو) خداوند

قلمرو ادبی تشبیه: حلیهٔ جمال (جمال: مشبّه / حلیه: مشبّه‌به ← اضافهٔ تشبیهی) / جناس ناهمسان (اختلافی): جلال و جمال / تضمین: ۱. ما عبدناک حقّ عبادتک ۲. ما عرفناک حقّ معرفتک

قلمرو فکری معنی: عابدانِ گوشه‌نشینِ خانهٔ جلالِ خداوند به کوتاهی در عبادت، اعتراف می‌کنند که تو را چنان‌که شایسته است، پرستش و عبادت نکردیم و ستایندگانِ زیورِ جمالِ خداوند، خود را به سرگردانی و حیرت نسبت می‌دهند که تو را چنان که سزاوارِ توست، نشناختیم. خرداد ۹۸

■ عبارتِ «واصفان حلیهٔ جمالش به تحیّر منسوب که: ما عرفناک حقّ معرفتک»، ارتباط مفهومی دارد با:

۱. هیچ نقّاشت نمی‌بینند که نقشی برکشد / وان که دید، از حیرتش کلک از بَنان افکنده‌ای

۲. نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی / نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی دی ۱۴۰۳

گر کسی وصفِ او ز من پرسد — بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز؟
عاشقان کُشتگانِ معشوق‌اند — بر نیاید ز کُشتگان آواز

قلمرو زبانی بی‌دل: عاشق، دلداده / بی‌نشان: خداوندِ بی‌نشان / باز: آشکارا / منظور از «او»، «من»، «بی‌دل» و «بی‌نشان»: به ترتیب ← «خداوند»، «سعدی» (شاعر و نویسنده)، «سعدی» و «خداوند» / ترادُف: بی‌دل و عاشق / استفهام انکاری: چه گوید باز؟ ← نمی‌تواند بگوید / پرسد: مضارع التزامی خرداد ۱۴۰۴

قلمرو ادبی قالب شعر: قطعه / قافیه‌ها: «باز» و «آواز» / واج‌آرایی: مصراع سوم ← تکرار صامت «ش» / کنایه: بی‌دل ← کنایه از «عاشق» / اشتقاق (ویژهٔ علوم انسانی): عاشقان و معشوق

قلمرو فکری معنی: اگر شخصی، توصیفِ خداوند را از من سؤال کند؛ منِ عاشق (بی‌دل = شاعر = سعدی) از خدایی که نشانی از او ندارم، چگونه آشکارا سخن بگویم؟ عاشقان همواره در راهِ معشوق کشته و فدا می‌شوند و از کُشتگان هرگز صدایی برنمی‌خیزد. خرداد ۱۴۰۴ فنّی

مفهوم: عجز و ناتوانیِ شاعر از وصفِ عظمتِ خداوند، تأکید بر خاموشی و رازداری در عشق. مرداد ۱۴۰۳، خرداد ۱۴۰۰ خارج

■ ارتباط معنایی دارد با:

«تا خبر دارم از او بی‌خبر از خویشتنم — با وجودش ز من آواز نیاید که منم»

یکی از صاحب‌دلان سر به جَیبِ مراقبت فروبرده‌بود و در بحرِ مکاشفت مستغرق شده؛ آن‌گه که از این معاملت بازآمد، یکی از یاران به طریقِ انبساط گفت: «از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟»

قلمرو زبانی صاحب‌دل: خداشناس، عارف / جَیْب: گریبان، یقه شهریور ۱۴۰۲ / مُراقبت: در اصطلاح عرفانی، کمالِ توجّهِ بنده به حق و یقین بر اینکه خداوند در همهٔ احوال، عالِم بر ضمیرِ اوست؛ نگاه داشتنِ دل از توجّه به غیرِ حق خرداد ۹۸، دی ۹۹ خارج / مُکاشفت: کشف کردن و آشکار ساختن؛ در اصطلاحِ عرفانی، پی بُردن به حقایق است / مُستغرق: غرق‌شده (هم‌خانوادهٔ «غرق، غریق، غرقه») / مُعاملت: اَعمالِ عِبادی؛ احکام و عبادات شرعی؛ در متن درس، مقصود همان «کارِ مُراقبت و مُکاشفت» است خرداد ۹۸ / اِنبساط: حالتی که در آن، احساسِ بیگانگی و مُلاحظه و رودربایستی نباشد، خودمانی شدن خرداد ۱۴۰۰ / به طریق انبساط: به شیوهٔ صمیمی و خودمانی خرداد ۱۴۰۰ / تُحفه: هدیه، ارمغان / کرامت کردن: عطا کردن، بخشیدن / «را» (ما را): حرف اضافه به معنیِ «برای» [ما = متمّم] / حذف: فعلِ «بود» (بعد از «شده») به قرینهٔ لفظی حذف شده‌است / ترکیب وصفی: این بوستان، چه تحفه دی ۱۴۰۳ / ترکیب اضافی: طریق انبساط دی ۱۴۰۳

قلمرو ادبی کنایه: ۱. سر به جیبِ مراقبت فروبُردن ← کنایه از «تأمُّل و تفکّرِ عارفانه و حفظِ دل از هرچه غیرِ خداست» ۲. در بحرِ مکاشفت مستغرق شدن ← کنایه از «کشفِ حقایق و پی بُردن به آنها» / تشبیه: بحرِ مُکاشفت (مکاشفت: مشبّه / بحر: مشبّه‌به ← اضافهٔ تشبیهی) / استعاره: بوستان ← استعاره از «معرفت الهی، عرفان، خداشناسی» / سجع: ۱. بُرده و شده ۲. بودی و کردی

قلمرو فکری معنی: یکی از عارفان در حالتِ تأمُّل و تفکّرِ عارفانه، در دریای کشفِ اَسرارِ الهی غرق شده‌بود؛ خرداد ۹۹ زمانی که از این حالت معنوی (مراقبت و مکاشفت) خارج شد، یکی از دوستان با حالتی خودمانی و بدونِ رودربایستی به او گفت: از این بوستان (سیر و سیاحتِ روحانی و عارفانه) که بودی برای ما چه هدیه‌ای آوردی؟ خرداد ۱۴۰۰

گفت: «به خاطر داشتم که چون به درختِ گل رسم، دامنی پُر کنم هدیهٔ اصحاب را. چون برسیدم، بوی گُلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت!»

قلمرو زبانی چون: (هردو) هنگامی که [ادات تشبیه نیستند] / اَصحاب: یاران / را: حرف اضافه، به معنی «برای» / «م»: ۱. بوی گُلم ← مفعول (بوی گُل، مرا مست کرد) خرداد ۱۴۰۲، خرداد ۱۴۰۲ فنّی ۲. دامنم ← مضاف‌الیه (دامن از دستِ من برفت) خرداد ۱۴۰۲ فنّی / مست: مسند خرداد ۱۴۰۲ / بوی گلم چنان مست کرد: جملهٔ پایه خرداد ۱۴۰۲

قلمرو ادبی استعاره: ۱. درخت گُل ← استعاره از «عشق و معرفتِ الهی» مرداد ۱۴۰۳، دی ۱۴۰۲ خارج ۲. بوی گُل ← استعاره از «جلوه‌های عشق و معرفت» / کنایه: دامن از دست رفتن ← کنایه از «بی‌اختیار و ازخودبی‌خود شدن» دی ۱۴۰۲ خارج، دی ۹۷ / جناس ناهمسان (اختلافی): مست و دست / سجع: داشتم، رسم، کنم، برسیدم [سؤال: چرا دو واژهٔ «مست و دست» را در این متن نمی‌توانیم «سجع» تلقّی کنیم؟ پاسخ: زیرا واژه‌های بعد از این دو کلمه، تکراری نیستند (متفاوت‌اند). چنانچه بعد از این دو واژه، فعلی مثلِ «نمود» تکرار می‌شد؛ آنگاه می‌توانستیم «مست و دست» را سجع به حساب آوریم (مثل قافیه و ردیف): «بوی گلم چنان مست / نمود که دامنم از دست / نمود.»]

مست: سجع — نمود: واژهٔ تکراری، معادلِ «ردیف» — دست: سجع — نمود: واژهٔ تکراری

قلمرو فکری معنی: گفت در نظر داشتم وقتی که به درختِ گُل رسیدم، دامنی از گُل و شکوفه به عنوانِ هدیه برای دوستان پُر کنم؛ وقتی رسیدم، بوی گل، آن‌چنان مرا مست و ازخودبی‌خود کرد که زمام و اختیار را از دست دادم. / مفهوم: از خودبی‌خود شدنِ عاشق، هنگام وصال دی ۹۷

ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز — کان سوخته را جان شد و آواز نیامد
این مدّعیان در طلبش بی‌خبران‌اند — کان را که خبر شد، خبری باز نیامد

گلستان، سعدی

قلمرو زبانی مرغ سَحَر: ۱. در اینجا منظور «بلبل» ۲. نقش: مُنادا / کان: که آن / سوخته: مقصود «پروانه» / را (مصراع دوم): نشانهٔ فکّ‌اضافه [کان سوخته را جان ← جانِ آن سوخته (آن: صفت مضاف‌الیه (وابستهٔ وابسته)] خرداد ۱۴۰۳ / جان شد: کشته شد، جانش فدا شد / مُدّعی: ادّعاکننده (در اینجا، یعنی «لاف‌زَن، بیهوده‌گو، خودستا») / ش: ۱. مرجع ← خداوند = معشوق ۲. نقش ← مضاف‌الیه [طلبِ او]

قلمرو ادبی قالب شعر: قطعه / قافیه‌ها: آواز و باز / ردیف: «نیامد» / نماد: ۱. مرغ سحر (بلبل) ← در اینجا، نمادِ «عاشقِ غیرحقیقی و مُدّعی» ۲. پروانه ← در اینجا، نمادِ «عاشقِ واقعی و بی‌اِدّعا» خرداد ۱۴۰۱، شهریور ۹۸ / مراعات‌نظیر: مرغ و پروانه / تکرار: خبر

قلمرو فکری معنی: ای پرندهٔ سَحَرگاهی (بلبل) عشقِ واقعی را از پروانه یاد بگیر، زیرا پروانه در راهِ عشق، جان خود را فدا می‌کند ولی صدایی از او بلند نمی‌شود. اینان که اِدّعا می‌کنند معشوق (خداوند) را شناخته‌اند، در واقع از او بی‌خبر هستند، زیرا کسی که خدا را شناخت، دیگر خبری از او به دیگران نخواهدرسید. / مفهوم: تأکید بر «رازداری در عشق و بی اِدّعایی» شهریور ۱۴۰۳

■ این قطعه، ارتباط معنایی دارد با:

۱. از نارسیدگی است که صوفی کند خُروش — سیلاب چون به بَحر رسَد می‌شود خَموش
۲. آن که شد هم بی‌خبر هم بی‌اثر — از میانِ جمله او دارد خبر
۳. عاشقان کُشتگانِ معشوق‌اند — برنیایند زِ کشتگان آواز
۴. تا خبر دارم از او بی‌خبر از خویشتنم — با وجودش زِ من آواز نیاید که منم
۵. هرکه را اَسرارِ حق آموختند — مُهر کردند و دهانش دوختند

شهریور ۱۴۰۳

کارگاه متن‌پژوهی

قلمرو زبانی

۱ | جدول زیر را به کمک متن درس، کامل کنید.

معنا	واژهٔ معادل
دارای نشان پیامبری	-------
شادی‌بخش	-------
به خدای تعالی بازگشتن	-------
قطع کردنِ مُقرّری	-------

۲ | سه واژه در متن درس بیابید که هم‌آوای آنها در زبان فارسی وجود دارد.

۳ | از متن درس برای کاربرد هریک از حروف زیر، سه واژهٔ مهمّ املایی بیابید و بنویسید.

ح (-------) / ق (-------) / ع (-------)

۴ | در عبارت زیر، نقش دستوری ضمایر متّصل را مشخّص کنید.

«بوی گُلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.»

۵ | در متن درس، نمونه‌ای برای کاربرد هریک از انواع حذف (لفظی و معنایی) بیابید.

پاسخ ۱ به‌ترتیب «وسیم»، «مفرّح»، «انابت» و «بُریدنِ وظیفه»

۲ قربت: نزدیکی (هم‌آوا با ← غربت: دوری) / حیات: زندگی (هم‌آوا با ← حیاط: مُحوّطه) / خوان: سفره (هم‌آوا با ← خان: رئیس، بزرگ)

نکته «هم‌آوا» به واژه‌هایی گفته‌می‌شود که در «تلفّظ» یکسان هستند امّا در «نوشتن، معنی و املا» متفاوت می‌باشند.

۳ ح (حیات، مُفرّح، فاحِش) / ق (قُربت، تقصیر، قَبا) / ع (عُذر، خلعت، ربیع)

۴ م (گُلم) ← مفعول [بوی گل من را چنان مست کرد] / م (دامنم) ← مضاف‌الیه [دامن از دستِ من برفت]

۵ حذف فعل به قرینهٔ لفظی:

«است» (بعد از واژهٔ «نعمت» [بند اوّل درس]) به قرینهٔ لفظی حذف شده‌است. / «است» (بعد از دو واژهٔ «ذات» و «واجب» [بند اوّل]) به قرینهٔ لفظی حذف گردیده‌است.

حذف فعل به قرینهٔ معنایی:

فعلِ «است» (بعد از «بنده همان بِهْ») به قرینهٔ معنایی حذف شده‌است. / «است» (بعد از واژه‌های «رسیده» و «کشیده») به قرینهٔ معنایی حذف شده‌است.

قلمرو ادبی

۱ | واژه‌های مشخّص‌شده، نماد چه مفاهیمی هستند؟

- **ای مـرغِ سـحر! عشـق ز پروانـه بیامـوز — کان سـوخته را جـان شـد و آواز نیامـد**

۲ | با توجّه به عبارت‌های زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

- **باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده و خوانِ نعمت بی‌دریغش همه جا کشیده.**
- **فرّاشِ بادِ صبا را گفته تا فرش زمرّدین بگسترد و دایهٔ ابر بهاری را فرموده تا بناتِ نبات در مهد زمین بپرورد.**

الف) آرایه‌های مشترک دو عبارت را بنویسید.

ب) قسمت مشخّص‌شده، بیانگر کدام آرایهٔ ادبی است؟

پاسخ ۱ مرغ سحر: نمادِ «عاشقِ غیرحقیقی و مُدّعی» — پروانه: نمادِ «عاشقِ واقعی و بی‌اِدّعا»

۲ الف سجع و تشبیه [اضافهٔ تشبیهی] — ب استعاره

قلمرو فکری

۱ | معنی و مفهوم عبارت‌های زیر را به نثر روان بنویسید.

- **عاکفانِ کعبهٔ جلالش به تقصیر عبادت معترف که: ما عَبَدناکَ حقَّ عِبادَتِک.**
- **یکی از صاحب‌دلان سر به جَیب مراقبت فرو برده‌بود و در بحر مکاشفت مستغرق‌شده.**

۲ | مفهوم کلّی مصراع‌های مشخّص‌شده را بنویسید.

- **ابـر و بـاد و مـه و خورشـید و فلـک در کارنـد — تـا تـو نانـی بـه کـف آریّ و بـه غفلـت نخـوری**
- **چه غم دیوار امّت را که دارد چون تو پشتیبان؟ — چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟**
- **گـر کسـی وصـف او ز مـن پرسـد — بـی‌دل از بی‌نشـان چـه گویـد بـاز؟**

۳ | از کدام سطر درس، مفهوم بیت زیر قابل استنباط است؟

هیـچ نقّاشـت نمی‌بینـد کـه نقشـی برکشـد — وان که دید، از حیرتش کلک از بَنان افکنده‌ای (سعدی)

پاسخ ۱ معنی: عابدانِ گوشه‌نشینِ خانهٔ جلالِ خداوند به کوتاهی در عبادت، اعتراف می‌کنند که تو را چنان که شایسته است، عبادت نکردیم.

مفهوم: ناتوانی در پرستشِ سزاوارانهٔ خداوند

۲ معنی: یکی از عارفان در حالتِ تأمّل و تفکّرِ عارفانه، در دریای کشفِ اَسرارِ الهی غرق شده‌بود.

مفهوم: بیانگرِ حالتِ «مُراقبه و تفکّر» و «مُکاشفه = کشفِ اسرار حق» [نثر: سخنِ غیرمنظوم (هم‌آوا با ← نَصر: پیروزی)]

۲ برحَذَرداشتنِ انسان از غفلت از یاد و ذکرِ خداوند

ستایش پیامبر (ص) و امید به حمایتِ آن حضرت

ناتوانی از توصیفِ عظمتِ پروردگار

۳ واصفان حلیهٔ جمالش به تحیّر منسوب که: ما عرفناک حقّ معرفتک

بررسی بیت کارگاه متن‌پژوهی قلمرو فکری

هیچ نقّاشت نمی‌بیند که نقشی برکشد وان که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای

قلمرو زبانی «ت» (نقّاشت): ۱. مرجع ← معشوق (خداوند) ۲. نقش ← مفعول (... تو را نمی‌بیند) / برکِشد: به تصویر بکشد، نقّاشی کند / وان: و آن / حیرت: شگفتی، حیرانی / «ش» (حیرتش): ۱. مرجع ← نقّاش ۲. نقش ← مضاف‌الیه (بنانِ او) / کِلک: قلم / بَنان: سرانگشت، انگشت

قلمرو ادبی نقّاش و نقش: ۱. جناس ناهمسان (افزایشی) ۲. اشتقاق (ویژهٔ علوم انسانی) ۳. مراعات‌نظیر / کنایه: کِلک از بنان افکندن ← کنایه از «شگفتی، حیرانی و ناتوانی»

قلمرو فکری معنی: هیچ نقّاشی تو را نمی‌بیند که بتواند تو را نقّاشی کند؛ و هر آن کس که تو را مشاهده کرد، از حیرت و شگفتی، قلم از انگشتانش انداخته‌ای!
مفهوم: ناتوانی در مشاهده، شناخت و توصیفِ خداوند (خرداد ۹۸)

گنج حکمت: گمان

گویند که بطّی در آب، روشناییِ ستاره می‌دید. پنداشت که ماهی است؛ قَصدی می‌کرد تا بگیرد و هیچ نمی‌یافت. چون بارها بیازمود و حاصلی ندید، فروگُذاشت. دیگر روز هرگاه که ماهی بدیدی، گمان بردی که همان روشنایی است؛ قصدی نپیوستی و ثَمَرِ این تَجرُبَت، آن بود که همه روز گرسنه بماند.
کلیله و دمنه، ترجمهٔ نصرالله مُنشی (خرداد ۱۴۰۴)

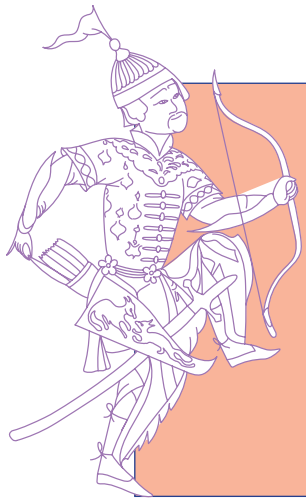
قلمرو زبانی گویند: نقل و روایت می‌کنند / بَط: مُرغابی / قَصد: نیّت، اراده / بگیرد: ماهی‌ها را شکار کند؛ ماهی‌گیری / بیازمود: امتحان و آزمایش کرد / فروگذاشت: رها کرد / دیگر روز: روزِ دیگر = فردا [از ویژگی‌های دستور تاریخی که گاهی صفت مُبهمِ «دیگر» در جایگاهِ وابستهٔ پیشین قرار می‌گرفته است] / «بدیدی»، «بُردی» و «نپیوستی»: هرسه فعل، «ماضی استمراری» (به روش گذشته) هستند [می‌دید، می‌بُرد و نمی‌پیوست] / ثَمَرت: ثمره، نتیجه / تجربت: تجربه

قلمرو فکری معنی: روایت می‌کنند که یک مرغابی در آب، نورِ ستاره‌ها را می‌دید و فکر می‌کرد که این روشنایی، ماهی است، اراده (تلاش) می‌کرد تا آنها را بگیرد ولی هیچ چیز دستگیرش (نَصیبش) نمی‌شد. چون چندین بار، این کار را امتحان کرد و نتیجه‌ای نگرفت، (کُلّاً این کار را) رها کرد. روز دیگر هر وقت ماهی (واقعی) می‌دید، تصوّر می‌کرد که (این ماهی‌ها) همان روشنایی (دروغین) است و به آن توجّهی نمی‌کرد و نتیجهٔ این تجربه، آن بود که او همیشه گرسنه می‌ماند.
مفهوم: ۱. مقایسهٔ نابه‌جا و نابِخُردانه ۲. نتیجهٔ مقایسهٔ نابه‌جا، شکست و بی‌چیزی و ناکامی است.

ایستگاه املا

ذکر و یاد کردن / فَضل و بخشش / توحید و یگانه‌پرستی / سِزا و سزاوار و لایق / حکیم و دانا / عظیم و بزرگ / رحیم و مهربان / ثَنا و ستایش (خرداد ۱۴۰۴، خرداد ۱۴۰۳، شهریور ۱۴۰۲) / وَصف و توصیف / شِبْه و شباهت (خرداد ۱۴۰۲) / وَهم و خیال / عِزّ و عزیز و عزّت / یقین و باور / سُرور و شادی / جَزا و پاداش / غیب و نهانی / یکاهی و کاهش دهی / فَزایی و زیاد نمایی / سنایی غزنوی (شاعر) / مِنّت و سپاس / عَزَّوَجَلّ، گرامی و بلندمرتبه / طاعت و عبادت و اطاعت / قُربت و نزدیکی (دی ۱۴۰۲ خارج) / مَزید و زیادی / حیات و زندگی / مُفَرِّح و شادی‌بخش / ذات و وجود / عُهده و تَعهُّد / قلیل و کم / تَقصیر و کوتاهی / عُذر و مَعذرت‌خواهی / خوان و سفره / بی‌دریغ و بدونِ مُضایقه / ناموس و آبرو / فاحِش و آشکار / وظیفه و مُقرّری / بادِ صَبا / زُمُرّد، سنگِ سبزِ قیمتی / بَنات و دختران / نَبات و گیاه / مَهد و گهواره / خِلعت و جامه / قَبا و لباس / وَرَق و برگِ درختان / اَطفال و بچّه‌ها / قُدوم و قَدَم نهادن / موسِم و هنگام / رَبیع، بهار / عُصاره و شیره / تاک، انگور، زَر / شَهد و عسل / فایِق و برگُزیده (شهریور ۹۹ خارج و شهریور ۹۸) / باسِق و بلند (خرداد ۹۸ خارج) / غِفلت و بی‌خبری / از بَهرِ، برای (دی ۱۴۰۲، دی ۱۴۰۰، خرداد ۱۴۰۰ خارج، خرداد ۹۸) / شَرط و شُروط / اِنصاف و عدالت / سَروَر و رئیس / صَفْوَت و برگزیده (خرداد ۱۴۰۳، دی ۱۴۰۲ خارج) / تَتمّه و باقی‌مانده / مُصطفی و برگزیده / شَفیع و شفاعت‌کننده / مُطاع و فرمانروا (شهریور ۱۴۰۳) / قَسیم و صاحب جمال / جَسیم و خوش‌اندام / نَسیم و خوش‌بو / وَسیم / بَحر، دریا (خرداد ۹۹) / نوحِ پیامبر / اِنابت و توبه و پشیمانی / جَلَّ وَ عَلا، بزرگ و بلندقَدر است / ایزد تَعالی / نَظر و نگاه / اِعراض و روی‌گردانی / تَضرُّع و زاری / عاکِف و عابِد / مُعترف، اعتراف‌کننده / واصِف و وَصف‌کننده / حِلیه و زیور / تَحیُّر و سرگشتگی / منسوب و نسبت‌داده شده (خرداد ۱۴۰۰، خرداد ۹۹، شهریور ۹۹ خارج) / مُراقِبت و نگاهداری / مُستغرق و غرق شده / طریق و روش / اِنبساط و خودمانی شدن / تُحفه و ارمغان (خرداد ۱۴۰۲ فنّی) / اَصحاب و یاران / سَحَر و صُبح / مُدّعی و اِدّعا کننده / طَلَب و خواستن / حیرت و تحیُّر / بَط، مرغابی / قَصد و نیّت / فروگذاشت و رها کرد [فرو گُزاشت] / ثَمَرت و نتیجه / تجرُبت و تجربه / کلیله و دمنه، نصرُاللهِ مُنشی

سؤالات تشریحی



قلمرو / امتحان نهایی	دی ۱۴۰۴	شهریور ۱۴۰۴	خرداد ۱۴۰۴	دی ۱۴۰۳	شهریور ۱۴۰۳	خرداد ۱۴۰۳	دی ۱۴۰۲
زبانی	۰/۵	۰/۷۵	۱	۰/۵	۰/۲۵	۱	۰/۵
ادبی	۰/۲۵	۰/۲۵	–	–	۰/۲۵	–	۰/۵
فکری	۱	۰/۵	۰/۷۵	۰/۷۵	۱/۲۵	۱	۰/۵

معنی واژه

معنی واژه‌های مشخّص‌شده را بنویسید.

۱. همه نوری و سروری

۲. همه جودی و جزایی

۳. تو نمایندهٔ فضلی تو سزاوار ثنایی

۴. یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده‌بود. (شهریور۱۴۰۲)

۵. بازش بخواند، باز اعراض کند. (دی ۱۴۰۱ فنّی)

۶. عصارهٔ تاکی به قدرت او شهد فایق شده.

۷. خوان نعمت بی‌دریغش همه جا کشیده. (خرداد ۹۱)

۸. این مدّعیان در طلبش بی‌خبران‌اند. (دی ۹۴)

۹. واصفان حلیهٔ جمالش به تحیّر منسوب. (خرداد ۹۵)

۱۰. طاعتش موجب قربت است. (شهریور ۹۶)

۱۱. در خبر است از سرور کاینات و صفوت آدمیان. (شهریور ۹۹)

۱۲. هر نفسی که فرو می‌رود، ممدّ حیات است. (دی ۹۸ و خرداد ۹۸ خارج)

۱۳. عاکفان کعبهٔ جلالش به تقصیر عبادت معترف. (دی ۹۹)

۱۴. تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته. (شهریور ۹۰، ۹۹، ۱۴۰۰ و خرداد ۹۹)

۱۵. دست انابت به امید اجابت به درگاه حق بردارد. (خرداد ۹۹)

۱۶. عصارهٔ تاکی به قدرت او شهد فایق شده. (خرداد ۹۰، دی ۹۹ خارج و خرداد ۱۴۰۲ خارج)

۱۷. معادل درست توضیح عرفانی زیر را از داخل کمانک انتخاب کنید. (خرداد ۸۹)

«کمال توجّه بنده به حق و یقین بر اینکه خداوند در همهٔ احوال، عالِم بر ضمیر اوست.» (مراقبت / مکاشفت)

۱۸. جدول زیر را کامل کنید.

واژه	معنا	واژهٔ هم‌آوا	معنا
ثنا	----------	----------	----------
حیات	----------	----------	----------
منسوب	----------	----------	----------
نثر	----------	----------	----------
صبا	----------	----------	----------
قربت	----------	----------	----------
بحر	----------	----------	----------

۱۹. معنی واژگان ستون اوّل را در ستون دوم پیدا کنید. (یک معنی در ستون دوم اضافه است)

واژه	معنی
الف) وهم	۱. صاحب جمال
ب) فاحش	۲. سپاس، شُکر
پ) قسیم	۳. آشکار، واضح
ت) نبات	۴. گیاه، رُستنی
ث) منّت	۵. خیال، پندار
	۶. دختران

۲۰. کدام معنی از واژهٔ «قدوم» در جملهٔ «اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع، کلاه شکوفه بر سر نهاده»، برنمی‌آید؟

الف) قدم‌ها　　ب) فرارسیدن

پ) قدم نهادن　　ت) آمدن

۲۱. معنی واژه‌های مشخّص‌شده در کدام گزینه نادرست است؟

الف) از این بوستان که بودی، ما را چه تُحفه کرامت کردی؟ (کالا)

ب) آن‌گه که از این معاملت بازآمد، یکی از یاران به طریق انبساط گفت. (خودمانی شدن)

۲۲. واژهٔ متناسب را برای هریک از معانی آمده، انتخاب کنید. (شهریور ۹۹ خارج، دی ۹۹خارج و خرداد ۱۴۰۰ خارج)

الف) روی گرداندن از کسی یا چیزی:　　۱) اعراض　　۲) اهمال

ب) کسی که دیگری فرمان او را می‌برد:　　۱) مطیع　　۲) مطاع

پ) نگاه داشتن دل از توجّه به غیر حق:　　۱) مکاشفه　　۲) مراقبه

۲۳. یکی از واژگان درون کمانک را برای مفهوم آمده، برگزینید. (دی ۹۸ خارج)

دارای نشانهٔ پیامبری (وسیم / قسیم / جسیم)

۲۴. در کدام گزینه‌ها، معنای واژهٔ مشخّص‌شده درست است؟ (شهریور ۹۹ خارج)

الف) همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم (تلاش)

ب) همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی (دانندهٔ راز)

پ) در خبر است از سرور کاینات و مفخر موجودات. (جانداران)

۲۵. برابر معنایی واژگان روبه‌رو را در عبارت‌های زیر بیابید و بنویسید.　الف) رَز　ب) بالیده (خرداد ۱۴۰۳ فنّی)

«اطفال شاخ را به قدوم موسمِ ربیع، کلاهِ شکوفه بر سر نهاده، عصارهٔ تاکی به قدرتِ او شهدِ فایق شده و تخمِ خرمایی به تربیتش نخلِ باسق گشته.»

۲۶. مترادف واژهٔ «فایق» در عبارت «عصارهٔ تاکی به قدرت او شهد فایق شده»، کدام کلمه در متن زیر است؟ (خرداد ۱۴۰۴)

«مفخر موجودات و رحمت عالمیان و صفوت آدمیان و تتمّهٔ دور زمان، محمّد مصطفی (ص) ...»

۲۷. واژهٔ «هم‌آوا» را در عبارت زیر بیابید و مترادف آن را بنویسید. (دی ۱۴۰۲)

«منّت خدای را عزّ وجلّ که طاعتش موجب قربت است.»

۲۸. کدام واژه، جزءِ معانی کلمهٔ مشخّص‌شده نیست؟ (خرداد ۱۴۰۴ خارج)

منّت خدای را ـ عزّوجلّ ـ که طاعتش موجب قربت است. (سپاس ـ شکر ـ نیکو)

املای واژه

۲۹. در متن، یک نادرستی املایی وجود دارد؛ آن را بیابید و شکل درست آن را بنویسید.
«در بهر مکاشفت، مستغرق شده.»

۳۰. کدام‌یک از ابیات زیر، فاقد غلط املایی است؟

الف) عاشـــقان کشـــته‌گان معشـــوق‌اند / برنیایـــــــــد ز کشـــــــــته‌گان آواز

ب) بنـده همـان بـه کـه ز تقصیـر خویـش / عـــــــذر بـــــــه درگاه خـــــــدای آورد

۳۱. املای درست واژه را از داخل کمانک برگزینید. (خرداد ۹۹، شهریور ۹۹ خارج، دی ۹۹، خرداد ۹۸ خارج و شهریور ۱۴۰۲ خارج، دی ۱۴۰۴)

الف) پردهٔ (ناموص / ناموس) بندگان به گناه فاحش ندرد.

ب) عاکفان کعبهٔ جلالش به (تقصیر / تقسیر) عبادت معترف.

پ) واصفان حلیهٔ جمالش به تحیّر (منصوب / منسوب).

ت) چه باک از موج (بحر / بهر) آن را که باشد نوح کشتیبان؟

ث) همه از (بهر / بحر) تو سرگشـته و فرمانبردار / شـــرط انصاف نباشـــد که تو فرمـــان نبری

ج) تخم خرمایی به تربیتش نخلِ (باسق / باسغ) گشته.

چ) تو حکیمی، تو عظیمی، تو کریمی، تو رحیمی / تو نمایندهٔ فضلی تو ســـزاوار (ثنایی / سنایی)

ح) دست (عنابت / انابت) به امید اجابت به درگاه حق جلّ و علا بردارد.

۳۲. در گروه کلمه‌های زیر، چهار مورد غلط املایی وجود دارد؛ درست هریک را بنویسید. (شهریور ۱۴۰۲)
«زندگی و حیات - بادصبا - متاع و فرمانروا - موصم ربیع - عصاره و افشره - بت و مرغابی - واصف و ستاینده - غربت و نزدیکی»

۳۳. در هریک از موارد زیر، یک نادرستی املایی وجود دارد؛ آن را بیابید و شکل درست آن را بنویسید. (شهریور ۹۸)

الف) عصارهٔ تاکی به قدرت او شهد فایغ شده.

ب) پردهٔ ناموس بندگان به گناه فاهش ندرد.

۳۴. در کدام‌یک از گزینه‌های زیر، غلط املایی وجود دارد؟ درست آن را بنویسید. (خرداد ۱۴۰۳)

الف) عاکفانِ کعبهٔ جلالش به تقصیرِ عبادت معترف و واصفان حِلیهٔ جمالش به تحیّر منسوب.

ب) سَرورِ کاینات و مَفخرِ موجودات و رحمتِ عالمیان و سَفوَتِ آدمیان و تَتِمّهٔ دَورِ زمان.

دستور زبان

۳۵. در بیت زیر، کدام کلمات، «مسند» هستند؟

«همـــه عـــزّی و جلالی، همـــه علمـــی و یقینی / همـــه نوری و ســـروری، همه جـــودی و جزایی»

۳۶. با توجّه به عبارت زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.
«باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی‌دریغش همه جا کشیده»

الف) نوع کاربرد حرف «را» چیست؟ ب) چه کلماتی از عبارت حذف شده‌است؟ «نوع حذف» را بنویسید.

۳۷. در جملهٔ «فرّاش باد صبا را گفته تا فرش زمرّدین بگسترد»، نقش دستوری «متمّم» و «مفعول» را نشان دهید.

۳۸. در بیت زیر، یک «ترکیب اضافی» و یک «ترکیب وصفی» بیابید و بنویسید.

«ایـــن مدّعیـــان در طلبـــش بی‌خبراننـــد / کان را کـــه خبـــر شـــد، خبـــری بازنیامـــد»

۳۹. در عبارت زیر، مرجع ضمیر مشخّص‌شده و نقش دستوری آن را بنویسید.
«منّت خدای را عزّوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.»

۴۰. در عبارت زیر، زمان فعل‌های مشخّص‌شده را بنویسید.
«گفت: به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم دامنی پُر کنم هدیهٔ اصحاب را. چون برسیدم بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.»

نقش دستوری واژه‌های مشخّص‌شده را بنویسید.

۴۱. ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی

۴۲. تو نمایندهٔ فضلی تو سزاوار ثنایی

۴۳. از دست و زبان که بر آید / کز عهدهٔ شکرش به درآید؟

۴۴. باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده

۴۵. دایهٔ ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.

۴۶. عصارهٔ تاکی به قدرت او شهد فایق شده.

۴۷. تخم‌خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.

۴۸. همه از بهرِ تو سرگشته و فرمانبردار

۴۹. چه غم دیوار امّت را که دارد چون تو پشتیبان؟

۵۰. گر کسی وصف او ز من پرسد / بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز؟

۵۱. عاشقان کشتگان معشوق‌اند / بر نیاید ز کشتگان آواز

۵۲. ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز

۵۳. این مدّعیان در طلبش بی‌خبران‌اند

۵۴. ثمرتِ این تجربت آن بود که همه روز گرسنه بماند.

۵۵. هیچ نقّاشت نمی‌بیند که نقشی برکشد

۵۶. ملکا ذکر تو گویم که تو پاکیّ و خدایی / نروم جز به همان ره که توأم راه‌نمایی

۵۷. در بیت زیر، چند «مفعول» وجود دارد؟

«همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بپوشی همه بیشی تو بکاهی، همه کمّی تو فزایی»

۵۸. در کدام گزینه، «متمّم با دو حرف اضافه» آمده‌است؟

الف) تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.

ب) اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.

پ) طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.

۵۹. نقش دستوری اجزای مشخّص‌شده در کدام گزینه، متفاوت است؟

الف) یکی از بندگان، دست انابت به امید اجابت به درگاه حق بردارد.

ب) یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فروبرده‌بود.

پ) به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دامنی پر کنم هدیهٔ اصحاب را.

۶۰. نقش ضمیرهای پیوسته را بنویسید.

الف) تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.

ب) بار دیگرش به تضرّع و زاری بخواند.

پ) دعوتش اجابت کردم وامیدش برآوردم.

ت) بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت. (خرداد۱۴۰۲ فنّی)

۶۱. نوع «حذف» را در هر یک از موارد زیر تعیین کنید. (خرداد ۱۴۰۴ و ۹۸)

الف) بنده همان به که ز تقصیر خویش / عذر به درگاه خدای آورد

ب) در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.

۶۲. در بیت «همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار / شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری»: (خرداد ۹۹)

الف) کدام فعل حذف شده‌است؟

ب) نوع حذف را بنویسید.

۶۳. نوع «و» را در عبارت «در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.» بنویسید. (خرداد ۱۴۰۱ خارج)

۶۴. یک ترکیب وصفی و یک ترکیب اضافی در بیت زیر بیابید. (دی ۹۹ خارج)

«ملکا ذکر تو گویم که تو پاکیّ و خدایی نروم جز به همان ره که توأم راه‌نمایی»

۶۵. در عبارت «دایهٔ ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.» (خرداد ۱۴۰۱ خارج)

الف) «را» در این عبارت به چه معنا است؟

ب) نقش دستوری واژهٔ «دایه» چیست؟

۶۶. در بیت زیر، نوع حذف فعل (قرینهٔ لفظی / معنایی) را مشخّص کنید. (شهریور ۱۴۰۲ خارج)

«کرم بین و لطف خداوندگار گنه بنده کرده است و او شرمسار»

۶۷. نوع «وابستهٔ وابسته» را در بیت زیر بنویسید. (خرداد ۱۴۰۳)

«ای مرغ سحر، عشق ز پروانه بیاموز کان سوخته را جان شد و آواز نیامد»

۶۸. موارد خواسته‌شده را در عبارت زیر بیابید. (دی ۱۴۰۳)

یکی از یاران به طریق انبساط گفت: «از این بوستان که بودی ما را چه تحفه کرامت کردی؟»

الف) ترکیب وصفی:

ب) ترکیب اضافی:

۶۹. زمان فعل مشخّص‌شده در بیت «گر کسی وصف او ز من پرسد / بی دل از بی‌نشان چه گوید باز؟»، با فعل کدام عبارت متفاوت است؟ (خرداد ۱۴۰۴)

الف) بار دیگرش به تضرّع و زاری بخواند.

ب) خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد

۷۰. زمان فعل در جملهٔ «پردهٔ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد.»، با فعل مشخّص‌شده در کدام عبارت یکسان است؟ (خرداد ۱۴۰۴ خارج)
الف) چون برسیدم بوی گلم چنان مست کرد. ب) هر نفسی که فرومی‌رود ممدّ حیات است.

۷۱. مفهوم «ان» واژهٔ «مدّعیان» در مصراع «این مدّعیان در طلبش بی‌خبران‌اند» چیست؟ (خرداد ۱۴۰۴ خارج)

آرایه‌های ادبی

۷۲. واژه‌های مشخّص‌شده در جملهٔ زیر، خلق‌کنندهٔ کدام آرایهٔ ادبی هستند؟
«منّت خدای را عزّوجلّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.»

۷۳. با توجّه به عبارت زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.
«پردهٔ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفهٔ روزی به خطای منکر نبُرد.»
الف) کدام واژه‌ها آرایهٔ «جناس» پدید آورده‌اند؟ ب) در کدام ترکیب، آرایهٔ «تشبیه» وجود دارد؟

۷۴. در عبارت زیر، آرایهٔ «تشبیه» چند بار به‌کار رفته‌است؟ نشان دهید.
«درختان را به خلعت نوروزی، قبای سبز ورق دربرگرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع، کلاه شکوفه بر سر نهاده.»

۷۵. در بیت زیر، معنای مجازی واژهٔ «نان» چیست؟
«ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری»

۷۶. در جملهٔ زیر، آرایه‌های ---------- ، ---------- دیده می‌شود.
«هر گه که یکی از بندگان گنهکار پریشان‌روزگار، دست انابت به امید اجابت به درگاه حق جلّ و علا بردارد.»

۷۷. در تشبیه جملهٔ زیر، «مشبّه» و «مشبّه‌به» را نشان دهید.
«یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فروبرده‌بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده.»

۷۸. در عبارت «گفت: به خاطر داشتم چون به درخت گل رسم، دامنی پر کنم هدیهٔ اصحاب را. چون برسیدم، بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.»:
الف) واژه‌های پدیدآورندهٔ «سجع» کدام‌اند؟ ب) یک مورد «کنایه» بیابید.
پ) کدام کلمات «استعاره» هستند؟

۷۹. در عبارت زیر، هشت آرایهٔ ادبی نشان دهید.
«فرّاش بادصبا را گفته تا فرش زمرّدین بگسترد و دایهٔ ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.»

۸۰. در تشبیه موجود در بیت زیر، «مشبّه» و «مشبّه‌به» را مشخّص کنید.
«چه غم دیوار امّت را که دارد چون تو پشتیبان؟ چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟»

۸۱. آرایهٔ ادبی مناسب را برگزینید.
الف) کرم بین و لطف خداوندگار گنه بنده کرده‌ست و او شرمسار (تضاد / تلمیح)
ب) باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی‌دریغش همه‌جا کشیده. (تشبیه / استعاره)
پ) لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی (مجاز / حس‌آمیزی)

۸۲. در مصراع نخست بیت زیر، کاربرد آرایه‌های ---------- و ---------- مشهود است.
«از دست و زبان که برآید کز عهدهٔ شکرش به درآید؟»

۸۳. آرایهٔ ادبی مناسب هر گزینه را در برابر آن بنویسید. (یک آرایه اضافه است)

گزینه‌ها	آرایهٔ ادبی
الف) پردهٔ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد.	۱. سجع
ب) فرّاش بادصبا را گفته تا فرش زمرّدین بگسترد.	۲. استعاره
پ) عاشقان کشتگان معشوق‌اند / برنیاید ز کشتگان آواز	۳. کنایه
	۴. واج‌آرایی

۸۴. در بیت زیر، «مرغ سحر» و «پروانه»، نماد چه مفاهیمی هستند؟

«ای مرغ سحر، عشق ز پروانه بیاموز　　کان سوخته را جان شد و آواز نیامد»

۸۵. در عبارت «عصارهٔ تاکی به قدرت او شهد فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته» ؛ واژگان «سجع» را بنویسید. (دی ۹۷ و دی ۱۴۰۲)

۸۶. قسمت مشخّص‌شدهٔ متن زیر، بیانگر کدام آرایهٔ ادبی است؟ (شهریور ۹۸ و شهریور ۹۸ خارج)

«فرّاش بادصبا را گفته تا فرش زمرّدین بگسترد و دایهٔ ابربهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.»

۸۷. آرایهٔ ذکرشده در مقابل بیت زیر، درست است یا نادرست؟ (خرداد ۹۹)

«چه غم دیوار امّت را که دارد چون تو پشتیبان؟　　چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟» (اسلوب معادله)

۸۸. واژگان پدیدآورندهٔ آرایهٔ لفظی «سجع» در عبارت زیر، کدام‌اند؟ (خرداد ۱۴۰۲)

«هر نفسی که فرومی‌رود ممدّ حیات است و چون برمی‌آید مفرّح ذات.»

۸۹. در بیت زیر، کاربرد آرایه‌های «تشبیه»، «مراعات نظیر»، «تلمیح» و « ---------- » مشهود است. (خرداد ۱۴۰۲)

«چه غم دیوار امّت را که دارد چون تو پشتیبان　　چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟»

۹۰. در شعر زیر، شاعر از کدام آرایه‌های ادبی بهره برده‌است؟ (خرداد ۱۴۰۰ خارج)

«لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید　　مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی»

۹۱. یک مورد «مجاز» را در بیت زیر پیدا کنید. (خرداد ۹۹ خارج)

«از دست و زبان که برآید　　کز عهدهٔ شکرش به در آید»

۹۲. دو آرایه برای مصراع دوم بیت زیر بنویسید. (خرداد ۹۹ خارج)

«چه غم دیوار امّت را که دارد چون تو پشتیبان؟　　چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان»

۹۳. «واژگان سجع» را در عبارت زیر بنویسید. (شهریور ۹۹ خارج)

«پردهٔ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفهٔ روزی به خطای مُنکَر نبُرد.»

۹۴. در نوشتهٔ زیر، کدام‌یک از ترکیب‌های مشخّص‌شده، آرایهٔ تشبیه ندارد؟ (دی ۱۴۰۱ فنّی)

فرّاش باد صبا را گفته تا فرش زمرّدین بگسترد و دایهٔ ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات را در مهد زمین بپرورد.

تاریخ ادبیات

۹۵. جاهای خالی را پر کنید.

کتاب گلستان، اثر ------ است. مترجم کتابِ ------ ، نصرالله منشی است.

درک مطلب

۹۶. مصراع دوم بیت زیر، چه صفتی را به خدا نسبت می‌دهد؟

«همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بپوشی　　همه بیشی تو بکاهی، همه کمّی تو فزایی»

۹۷. در جملهٔ «فرّاش باد صبا را گفته تا فرش زمرّدین بگسترد»، منظور از «فرش زمرّدین» چیست؟

۹۸. در عبارت زیر، «فصل بهار» چگونه توصیف شده‌است؟

«درختان را به خلعت نوروزی، قبای سبز ورق دربرگرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.»

۹۹. با توجّه به ابیات زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«ای مرغ سحرا عشق ز پروانه بیاموز　　کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

این مدّعیان در طلبش بی‌خبرانند　　کان را که خبر شد، خبری بازنیامد»

الف) کلمات «مرغ سحر» و «پروانه»، نماد چه هستند؟

ب) مصراع «تا خبر دارم از او، بی‌خبر از خویشتنم»، با کدام مصراع تناسب معنایی دارد؟

پ) مفهوم کلّی ابیات بر چه موضوعی تأکید دارد؟

۱۰۰. با توجّه به بیت زیر، شرمندگی خدا از چیست؟

«کَرم بین و لطف خداوندگار — گنه بنده کرده‌ست و او شرمسار»

۱۰۱. مفهوم کلّی مصراع‌ها، ابیات و عبارت‌های زیر را بنویسید.

الف) عاکفان کعبهٔ جلالش به تقصیر عبادت معترف که: ما عبدناک حقّ عبادتک.

ب) همه بیشی تو بکاهی، همه کمّی تو فزایی

پ) کرم بین و لطف خداوندگار — گنه بنده کرده‌ست و او شرمسار

ت) عاشقان کشتگان معشوق‌اند — برنیاید ز کشتگان آواز

ث) این مدّعیان در طلبش بی‌خبران‌اند — کان را که خبر شد، خبری باز نیامد

۱۰۲. مفهوم بیت زیر با کدام گزینه، ارتباط معنایی دارد؟

«هیچ نقّاشت نمی‌بیند که نقشی برکشد — وان که دید، از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای»

الف) کان را که خبر شد، خبری باز نیامد

ب) واصفان حلیهٔ جمالش به تحیّر منسوب.

۱۰۳. در عبارت زیر، هریک از واژه‌های «مراقبت» و «مکاشفت» در اصطلاح عرفانی به چه معناست؟

«یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده‌بود و در بحر مکاشفت، مستغرق شده.»

۱۰۴. در بیت زیر، منظور از «او»، «من»، «بی‌دل» و «بی‌نشان» چیست؟

«گر کسی وصف او ز من پرسد — بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز؟»

۱۰۵. سعدی در بیت داده‌شده، «راه جبران تقصیر» را در چه می‌داند؟ (خرداد ۹۵)

«بنده همان به که ز تقصیر خویش — عذر به درگاه خدای آورد»

۱۰۶. در عبارت «یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده‌بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده.»، مقصود از «سر به جیب مراقبت فروبرده‌بود» چیست؟ (شهریور ۹۶)

۱۰۷. منظور از بخش مشخّص‌شده را بنویسید. (دی ۹۷)

«بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.»

۱۰۸. مصراع «چه غم دیوار امّت را که دارد چون تو پشتیبان»، چه مفهومی دارد؟ (دی ۹۷ و دی ۱۴۰۲)

۱۰۹. مفهوم کلّی مصراع دوم بیت زیر با کدام گزینه مناسبت دارد؟ (خرداد ۹۸)

«هیچ نقّاشت نمی‌بیند که نقشی برکشد — و آن که دید، از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای»

الف) ما عبدناک حقّ عبادتک

ب) ما عرفناک حقّ معرفتک

۱۱۰. با توجّه به متن زیر، خداوند چه رسالتی را بر عهدهٔ هریک از موارد «بادصبا» و «ابربهاری» قرار داده‌است؟ (شهریور ۹۹)

«فرّاش باد صبا را گفته تا فرش زمرّدین بگسترد و دایهٔ ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.»

۱۱۱. با توجّه به نوشتهٔ زیر، دو مورد از صفات خداوند را بنویسید. (دی ۹۹)

«پردهٔ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفهٔ روزی به خطای منکر نبرد.»

۱۱۲. در نوشتهٔ زیر، منظور از «به طریق انبساط» چیست؟ (خرداد ۱۴۰۰)

«یکی از یاران به طریق انبساط گفت: از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟»

۱۱۳. مفهوم کلّی هر مصراع (در بیت زیر) چیست؟ (خرداد ۹۸ خارج و خرداد ۱۴۰۱ خارج)

«چه غم دیوار امّت را که دارد چون تو پشتیبان؟ — چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟»

۱۱۴. مفهوم کلّی مصراع مشخّص‌شده را بنویسید. (خرداد ۱۴۰۰ خارج)

«گر کسی وصف او ز من پرسد — بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز»

۱۱۵. در بیت: «لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید / مگر از آتش دوزخ بُوَدش روی رهایی»؛ چرا سنایی توحید خدا می‌گوید؟ (دی ۹۷ خارج)

۱۱۶. هریک از عبارت‌های زیر، بیانگر کدام صفت پروردگار است؟ (دی ۹۷ خارج)

الف) پردهٔ ناموسِ بندگان به گناه فاحش ندرد.

ب) وظیفهٔ روزی به خطایِ مُنکَر نبُرَد.

۱۱۷. مفهوم مشترک بیت‌های زیر را بنویسید. (شهریور ۱۴۰۳)

الف) عاشقان کشتگان معشوق‌اند — برنیاید ز کشتگان آواز

ب) این مدّعیان در طلبش بی‌خبران‌اند — کان را که خبر شد، خبری بازنیامد

۱۱۸. جملهٔ «پردهٔ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد»، با کدام بخش از بیت زیر، ارتباط مفهومی دارد؟ (شهریور ۱۴۰۳)

همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بپوشی — همه بیشی تو بکاهی، همه کمّی تو فزایی

الف ب ج د

۱۱۹. کدام بیت با عبارت «واصفان حلیهٔ جمالش به تحیّر منسوب که ما عرفناک حقَّ معرفَتِک»، ارتباط مفهومی دارد؟ (دی ۱۴۰۳)

الف) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی / نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی

ب) همه عیبی تو بپوشی، همه غیبی تو بدانی / همه بیشی تو بکاهی، همه کمّی تو فزایی

معنی شعر و نثر

معنی ابیات و عبارت‌های زیر را به نثر روان بنویسید.

۱۲۰. ای مرغ سحر، عشق ز پروانه بیاموز — کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

۱۲۱. ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند — تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

۱۲۲. لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید — مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی

۱۲۳. اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده. (خرداد ۹۰)

۱۲۴. تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته. (شهریور ۹۰، شهریور ۹۹ خارج و دی ۱۴۰۱ فنّی)

۱۲۵. منّت خدای را عزّوجلّ، که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. (دی ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۵، ۹۶، شهریور ۹۸ و دی ۹۹ خارج)

۱۲۶. هر نفسی که فرومی‌رود، ممدّ حیات است و چون برمی‌آید، مفرّح ذات. (شهریور ۹۲، شهریور ۹۹، شهریور ۱۴۰۲ و خرداد ۱۴۰۴، دی ۱۴۰۴)

۱۲۷. پردهٔ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفهٔ روزی به خطای منکر نبرد. (خرداد ۹۳، شهریور ۹۳ ، خرداد ۹۸ و دی ۹۸)

۱۲۸. درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در برگرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع، کلاه شکوفه بر سر نهاده. (شهریور ۹۴ و دی ۹۸)

۱۲۹. خوان نعمت بی‌دریغش همه جا کشیده. (شهریور ۹۸، خرداد ۱۴۰۰ خارج و شهریور ۱۴۰۳)

۱۳۰. یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فروبرده‌بود. (خرداد ۹۹)

۱۳۱. از دست و زبان که بر آید — کز عهدهٔ شکرش به درآید؟ (دی ۹۹ و دی ۹۹ خارج)

۱۳۲. کرم بین و لطف خداوندگار — گنه بنده کرده‌ست و او شرمسار (شهریور ۱۴۰۰)

۱۳۳. باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده. (خرداد ۱۴۰۱ خارج و دی ۱۴۰۳)

۱۳۴. همه بیشی تو بکاهی، همه کمّی تو فزایی (شهریور ۹۹ خارج)

۱۳۵. نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی (دی ۹۹ خارج)

۱۳۶. عصارهٔ تاکی به قدرت او شهد فایق شده. (شهریور۹۹ خارج و خرداد ۱۴۰۲)

۱۳۷. دست انابت به امید اجابت به درگاه حق بردارد. (خرداد ۱۴۰۳)

۱۳۸. یکی از یاران به طریق انبساط گفت ... (خرداد ۱۴۰۴ خارج)



درس ۱ ستایش، شکر نعمت

۱ سرور: شادی، خوشحالی
۲ جود: بخشش، سخاوت، کَرَم
۳ ثنا: ستایش، سپاس
۴ جیب: یقه، گریبان
۵ اِعراض: روی گرداندن از کسی یا چیزی، روی گردانی
۶ فایق: برگزیده، برتر
۷ خوان: سفره، سفرهٔ فراخ و گشاده
۸ مدّعیان: ادّعاکنندگان [لاف زنان، بیهوده‌گویان، خودستایان]
۹ تحیّر: سرگشتگی، سرگردانی
۱۰ قربت: نزدیکی
۱۱ صفوت: برگزیده، برگزیده از افراد بشر
۱۲ ممد: مددکننده، یاری رساننده
۱۳ عاکفان: جمع عاکف؛ کسانی که در مدّتی معیّن در مسجد بمانند و به عبادت پردازند.
۱۴ باسق: بلند، بالیده
۱۵ انابت: بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی
۱۶ تاک: درخت انگور، رَز
۱۷ مراقبت
۱۸

واژه	معنا	واژهٔ هم‌آوا	معنا
ثنا	ستایش، سپاس	سنا	نور، روشنایی
حیات	زندگی	حیاط	محوّطهٔ بدون سقف
منسوب	نسبت داده شده	منصوب	گماشته، نصب‌شده
نثر	سخن غیرمنظوم	نصر	پیروزی
صبا	باد بهاری	سبا	نام شهری که بلقیس، ملکهٔ آن بود
قربت	نزدیکی	غربت	دوری، بیگانگی، غریبی
بحر	دریا	بهر	برای (حرف اضافه)

۱۹ الف ۵ ب ۳ پ ۱ ت ۴ ث ۲
۲۰ الف
۲۱ الف تحفه: هدیه، ارمغان
۲۲ الف اعراض ب مطاع پ مُراقبه
۲۳ وسیم
۲۴ الف درست
۲۵ الف رز: تاک ب بالیده: باسق
۲۶ صفوت یا مصطفی
۲۷ قربت : نزدیکی
۲۸ نیکو
۲۹ بهر ← بحر
۳۰ ب [غلط املایی گزینهٔ الف ← کشته‌گان (کشتگان)]
۳۱ الف ناموس ب تقصیر پ منسوب ت بحر
ث بهر ج باسق چ ثنایی ح انابت
۳۲ ۱ متاع ← مطاع / ۲ موصم ← موسم / ۳ بت ← بط / ۴ غربت ← قربت
۳۳ الف فایغ ← فایق ب فاهش ← فاحش
۳۴ ب صَفوَت
۳۵ عزّ، جلال، علم، یقین، نور، سرور، جود و جزا: مسند
۳۶ الف را: حرف اضافه (به همه)
ب فعل «است» (بعد از کلمات «رسیده و کشیده») حذف به قرینهٔ معنایی
۳۷ متمّم ← فرّاش [به فرّاش باد صبا گفته]
مفعول ← ۱- فرش (مفعولِ فعل «بگسترد») ۲- جملهٔ «تا فرش زمرّدین بگسترد» (مفعولِ فعلِ «گفته» ← چه چیزی را گفته ← تا .... بگسترد.)
۳۸ این مدّعیان: ترکیب وصفی
طلبش: ترکیب اضافی (طلبِ او)
۳۹ مرجع ضمیر: خداوند / نقش: مضاف‌الیه (شُکرش)
۴۰ رسَم (برسم): مضارع التزامی
برسیدم: ماضی ساده (رسیدم)
۴۱ ذکر ← مفعول / خدا ← مسند
۴۲ فضل ← مضاف‌الیه / سزاوار ← مسند
۴۳ که ← مضاف‌الیه / عهده ← متمّم
۴۴ باران ← نهاد / همه ← متمّم [را: حرف اضافه ← به همه]
۴۵ دایه ← متمّم / بنات ← مفعول / زمین ← مضاف‌الیه
۴۶ عصاره ← نهاد / قدرت ← متمّم / فایق ← صفت
۴۷ نخل ← مسند / باسق ← صفت
۴۸ همه ← نهاد / تو ← متمّم / فرمانبردار ← مسند
۴۹ تو ← متمّم / پشتیبان ← مفعول
۵۰ کسی ← نهاد / وصف ← مفعول / من ← متمّم / بی‌دل ← نهاد
۵۱ کشتگان ← مسند / معشوق ← مضاف‌الیه / کشتگان ← متمّم / آواز ← نهاد
۵۲ مرغ ← منادا / عشق ← مفعول
۵۳ مدّعیان ← نهاد / ش ← مضاف‌الیه / بی‌خبران ← مسند
۵۴ ثمرت ← نهاد / تجربت ← مضاف‌الیه / همه روز ← قید
۵۵ هیچ ← صفت / ت ← مفعول / نقشی ← مفعول
۵۶ خدا ← مسند / ره ← مُتمّم
۵۷ چهار مفعول ← ۱ همه غیبی / ۲ همه عیبی / ۳ همه بیشی / ۴ همه کمّی
۵۸ پ «به شکر اندر» ← شکر: متمّم / به: حرف اضافه اوّل / اندر (= در): حرف اضافهٔ دوم
۵۹ پ «را» حرف اضافه است به معنای «برای» ، بنابراین نقش «هدیهٔ اصحاب»، متمّم است. درحالی‌که نقش «دست» و «سر» در گزینه‌های دیگر ← «مفعول» است.
دیگر اینکه در جملهٔ موردنظر (گزینهٔ «پ») واژهٔ «دامنی» نقش مفعولی دارد (چه چیزی را پُر کنم ← دامنی را)

۶۰ الف ش ← مضاف‌الیه [تربیتِ او]
ب ش ← مفعول [بار دیگر او را ... خواند]
پ ش (هر دو) ← مضاف‌الیه [دعوتِ او / امیدِ او]
ت م (گلم) ← مفعول [بوی گل، من را چنان مست کرد]
م (دامنم) ← مضاف‌الیه [دامن از دستِ من برفت]
۶۱ الف فعل «است» (بعد از همان به) به قرینهٔ معنایی حذف شده است.
ب فعل «است» (بعد از واجب) به قرینهٔ لفظی حذف گردیده است.
۶۲ الف فعل «اند = هستند» (بعد از فرمانبردار)
ب حذف به قرینهٔ معنایی
۶۳ ربط (هم‌پایه‌ساز)
۶۴ ترکیب وصفی ← همان ره / ترکیب اضافی ← ذکرِ تو
۶۵ الف به معنی «به» (حرف اضافه)
ب مُتمّم (به دایهٔ ابر بهاری فرموده)
۶۶ (مصراع اوّل) فعل «بین» (بعد از «خداوندگار») ← به قرینهٔ لفظی (مصراع دوم) فعل «است» (بعد از «شرمسار») حذف به قرینهٔ لفظی
۶۷ صفت مضافٌ‌الیه
۶۸ الف ترکیب وصفی: این بوستان یا چه تحفه
ب ترکیب اضافی: طریق انبساط
۶۹ الف (پرسد و بخواند، متفاوت‌اند.)
۷۰ ب زمان فعل مشخّص‌شده در سؤال و گزینهٔ «ب»، هردو، مضارع اخباری است.
۷۱ نشانهٔ جمع
۷۲ سجع
۷۳ الف ندرد، نبُرد: جناس ناهمسان ب پردهٔ ناموس
۷۴ ۳ بار ← ۱ قبای ورق، ۲ اطفال شاخ، ۳ کلاه شکوفه
۷۵ نان مجاز از «رزق و روزی»
۷۶ کنایه (پریشان‌روزگار)، جناس (اجابت، انابت)
۷۷ تشبیه: بحر مکاشفت ← مکاشفت (مشبّه)، بحر (مشبّه‌به)
۷۸ الف داشتم، رسم، کنم، برسیدم
ب دامن از دست رفتن ← کنایه از «از خودبی‌خود شدن»
پ درختِ گل، بوی گل
۷۹ [البتّه در این متن، بیشتر از هشت آرایه وجود دارد]

چهار تشبیه ← فرّاش باد صبا / دایهٔ ابر بهاری / بنات نبات / مهد زمین [همگی ← اضافهٔ تشبیهی]
استعاره ← فرش زمرّدین
تشخیص ← باد صبا (به باد صبا گفته) / ابر بهاری (به ابر بهاری دستور داده) / نبات (گیاه را به انسان تشبیه کرده)
جناس ← فرّاش و فرش [اشتقاق نیز دارد]
سجع ← گفته و فرموده / بگسترد و بپرورد

۸۰ تشبیه (اضافهٔ تشبیهی): دیوار امّت ← مشبّه: امّت / مشبّه‌به: دیوار
۸۱ الف تلمیح ب تشبیه پ مجاز
۸۲ مجاز و مراعات‌نظیر
۸۳ الف ۳ ب ۲ پ ۴
(در هیچ‌کدام از گزینه‌ها آرایهٔ «سجع» دیده نمی‌شود.)
۸۴ مرغ سحر ← نماد «عاشق غیرحقیقی و مُدّعی»
پروانه ← نماد «عاشق واقعی و بی‌ادّعا»
۸۵ سجع ← شده و گشته
۸۶ استعاره
۸۷ درست است
۸۸ حیات و ذات [البتّه «فرومی‌رود» و «برمی‌آید» نیز دارای سجع می‌باشند]
۸۹ اسلوب معادله
۹۰ ۱ مراعات نظیر (لب و دندان / آتش و دوزخ) ۲ مجاز (لب و دندان / روی) ۳ ایهام تناسب (روی)
۹۱ دست و زبان (قدرت و گفتار)
۹۲ ۱ مراعات‌نظیر(موج،بحروکشتیبان)/ ۲ تلمیح(حضرت‌نوح(ع))
۹۳ ندرد و نبرد
۹۴ فرش زمرّدین
۹۵ سعدی / کلیله و دمنه
۹۶ مُختار بودنِ خداوند در «عزّت‌بخشی و ذلّت دادن»
۹۷ چمن و سبزه
۹۸ (در فصل بهار) درختان و شاخه‌ها، پُر از برگ و شکوفه گشته است.
۹۹ الف مرغ سحر ← نماد «عاشق غیرحقیقی و مُدّعی»
پروانه ← نماد «عاشق واقعی و بی‌ادّعا»
ب کان را که خبر شد، خبری بازنیامد
پ رازداری در عشق و بی‌ادّعاییِ عاشق
۱۰۰ گناهکاریِ بندگان
۱۰۱ الف ناتوانی در پرستش و عبادت سزاوارانهٔ خداوند
ب تمامی کم و زیاد شدن‌ها (عزّت و ذلّت انسان‌ها) در دست خداست.
پ لطف و گذشت و مهربانیِ پروردگار
ت تأکید بر خاموشی و رازداری در عشق
ث رازداری در عشق و بی‌ادّعایی
۱۰۲ ب واصفان حلیهٔ جمالش به تحیّر منسوب
۱۰۳ مراقبت ← کمال توجّه بنده به حق و یقین بر اینکه خداوند در همهٔ احوال، عالم به ضمیر اوست (نگاه داشتن دل از توجّه به غیرِ حق)
مکاشفت ← پی بردن به حقایق
۱۰۴ او ← خداوند / من ← سعدی (شاعر) / بی‌دل ← سعدی / بی‌نشان ← خداوند
۱۰۵ توبه به درگاه پروردگار [عذرخواهی و پوزش]
۱۰۶ در حالتِ تأمّل و تفکّر عارفانه، قلب (دل) خود را از هرچه غیرخدا حفظ کردن (بی‌اعتنایی به غیرِ خدا)
۱۰۷ بی‌اختیار و از خود بی‌خود شدم.
۱۰۸ دلگرم و امیدوار بودنِ امّت اسلام به یاری و شفاعتِ پیامبر (ص)
۱۰۹ ب

۱۱۰ باد صبا: سبزه‌ها را مانند فرشی در طبیعت پهن کند. (برویاند)
ابر بهاری: گیاهان را در زمین پرورش دهد.
۱۱۱ ۱) ستّار العیوب بودنِ خداوند
۲) روزی‌رسان یا رزّاق بودن خداوند
۱۱۲ به شیوهٔ صمیمی و خودمانی
۱۱۳ مصراع اوّل: دلگرم بودن مسلمانان به کمک و پشتیبانی حضرت رسول (ص) / مصراع دوم: نترسیدن به خاطرِ داشتنِ رهبر و فرمانده
۱۱۴ ناتوانی در توصیف معشوق (خداوند)
۱۱۵ به امید رهایی از آتشِ جهنّم
۱۱۶ الف صفتِ «ستّار العیوب» بودن (پوشانندهٔ عیب و گناه)
ب صفتِ «رزّاقیت» (روزی‌رسان بودن)
۱۱۷ سکوت یا بی‌ادّعایی عاشقان حقیقی (رازداری عارفان و فنایافتگان) (یا هر مفهوم مشابه)
۱۱۸ ب
۱۱۹ الف
۱۲۰ ای پرندهٔ سحرگاهی (بلبل) عشق واقعی را از پروانه یاد بگیر، زیرا پروانه در راه عشق، جان می‌بازد ولی صدایی از او شنیده نمی‌شود.
۱۲۱ ابر و باد و ماه و خورشید و آسمان، مشغول کارند تا اینکه تو روزیِ خود را به دست آوری و در بی‌خبری از آن استفاده نکنی.
۱۲۲ سنایی با تمامِ وجود، یگانگی تو را می‌گوید، به این امید که امکانِ رهایی از آتش جهنّم برای او وجود داشته‌باشد.
۱۲۳ با فرارسیدن فصل بهار بر سر شاخه‌های نودمیده، کلاهی از شکوفه گذاشته است.
۱۲۴ هستهٔ خرما با پرورش او به نخلِ بلندی تبدیل گشته است.
۱۲۵ شکر و سپاس، مخصوص خداوند گرامی و بلندمرتبه است؛ خداوندی که اطاعت از او موجب نزدیکی به اوست و شکرگزاری او باعث افزایش نعمت است.
۱۲۶ هر نفسی که فرومی‌رود یاریگر زندگی است و وقتی بالا می‌آید شادی‌بخش وجود است.
۱۲۷ آبروی بندگان را با وجودِ ارتکاب گناهِ آشکار نمی‌ریزد و روزیِ مقرّر آنان را با وجود خطاکار بودنشان قطع نمی‌کند.
۱۲۸ بر تن درختان به عنوان لباس نوروزی، برگ سبز پوشانده و با آمدن بهار بر سر شاخه‌های نودمیده، کلاهی از شکوفه گذاشته است.
۱۲۹ نعمتِ بدون مضایقهٔ او مانند سفره‌ای گشاده در همه جاگسترده شده است.
۱۳۰ یکی از عارفان در حالت تأمّل و تفکّر عارفانه و توجّه به حق بود.
۱۳۱ هیچ‌کس نمی‌تواند با رفتار و گفتار خود از عهدهٔ شکرگزاری خداوند برآید.
۱۳۲ لطف و بخشش خداوند را ببین؛ بنده گناه کرده ولی خداوند شرمنده است!
۱۳۳ رحمتِ فراوانِ الهی همچون باران به همه رسیده است.
۱۳۴ همهٔ کم و زیاد شدن‌ها (عزّت و ذلّت) در دستِ توست.
۱۳۵ نمی‌توان تو را توصیف کرد، چراکه تو در فهم و ادراک انسان نمی‌گنجی.
۱۳۶ شیرهٔ انگور با قدرت او به عسل خالص تبدیل شده.
۱۳۷ به امید برآورده شدن توبه به درگاه خداوند روی می‌آورد.
۱۳۸ یکی از دوستان با حالتی خودمانی (با صمیمیّت) گفت ...

درس ۲ مست و هُشیار

۱۳۹ محتسب: مأمور حکومتی شهر که کار او نظارت بر اجرای احکام دین و رسیدگی به اجرای احکام شرعی بود.
۱۴۰ والی: حاکم، فرمانروا
۱۴۱ عار: ننگ، بدنامی، رسوایی
۱۴۲ ملامت: سرزنش، نکوهش
۱۴۳ زاهد: پارسای گوشه‌نشین که میل به دنیا و تعلّقات آن ندارد.
۱۴۴ اکراه: ناخوشایند بودن، ناخوشایند داشتن امری
۱۴۵ عاجز: درمانده، ناتوان
۱۴۶ صواب: درست، پسندیده، مصلحت
۱۴۷ عیش: خوشی، عشرت / مُدام: همیشه، پیوسته، می
۱۴۸ دار مُلک: سرزمین
۱۴۹ افسار: تسمه و ریسمانی که به سر و گردن اسب، الاغ و ... می‌بندند.
۱۵۰ گِرو: دارایی یا چیزی که برای مطمئن ساختن کسی در به انجام رساندن تعهّدی به او داده می‌شود.
۱۵۱ ادیب: آداب‌دان، ادب‌شناس، سخن‌دان، معلّم و مربّی
۱۵۲ هان: آگاه باش
۱۵۳ کیمیا: مادّه‌ای که با آن بتوان مس را به طلا تبدیل کرد؛ اکسیر
۱۵۴ ذوالجلال: خداوند، پروردگار، خداوند صاحب جلال و عظمت
۱۵۵ وجه: ذات، وجود
۱۵۶ غرامت: تاوان، جبران خسارت مالی و غیر آن
۱۵۷ حد: کیفر و مجازات شرعی برای گناهکار و مُجرم
۱۵۸ داروغه: پاسبان و نگهبان، شب‌گرد
۱۵۹ خمّار: مِی‌فروش
۱۶۰ افصار ← افسار
۱۶۱ درحم ← درهم
۱۶۲ آر ← عار
۱۶۳ از بحر ← از بهرِ
۱۶۴ ثواب ← صواب
۱۶۵ بگزار ← بگذار
۱۶۶ بهر ← بحر
۱۶۷ الف اکراه ب نظر پ وصال ت غرامت ث بهر
۱۶۸ ۱) بگزار ← بگذار / ۲) ذاهد ← زاهد / ۳) بهر ← بحر
۱۶۹ الف [گزینهٔ «ب» بهر ← بحر]
۱۷۰ ب (مسجد، خوابگاه نیست)
۱۷۱ الف مضاف‌الیه (سرت) ب متمّم (به او گفت)
۱۷۲ پ و ت ← نقش هر دو: مفعول
[دیگر گزینه‌ها: الف ← مسند / ب ← نهاد]
۱۷۳ «صاحب‌خبر شوی» و «راهرو نباشی» (پیوندهای وابسته‌ساز ← «که» و «تا»)
۱۷۴ الف «هستم» به قرینهٔ معنایی (از دار ملک آشنایی هستم)
ب «معلوم است» به قرینهٔ معنایی (از کجا معلوم است)
۱۷۵ ب جانت ← معطوف (نقش تَبَعی؛ «واو» ← عطف)
[سؤال: چرا «خور»، معطوف (نقش تبعی) نیست؟ پاسخ: زیرا «واو» در «خواب و خور» ← «میان‌وند» است نه عطف. کُلّاً «خواب‌وخور»، یک واژه است؛ مانندِ «گفت‌وگو»، «رفت و آمد».]
۱۷۶ دوست: منادا / این: نهاد